

پیام سندیکا

پیام سندیکا

پیام آور سندیکاهای کارگری ایران

حاصل اتحاد تاریخی کارگران سندیکایی در راستای شکل و آگاهی برای کارگران

شماره ۶۵ / سال هفتم / بهمن ماه ۹۶ / نشریه سندیکاهای کارگری ایران

شما چیزی گفتی؟
صدات دراومده؟



نه دادا، صدای
قار و قور شامم
بود... خیلی وقته
صدات دراومده!

سندیکا



سندیکای کارگران
نقاش و تزئینات
تاسیس: ۱۳۴۸



اتحادیه
نیروی کار
پروژه‌ای



پیام سندیکا

ماهنامه خبری تحلیلی کارگری

نشریه درونی سندیکاهای کارگری

ایران کاری از کارگران سندیکایی

ایران، بر اساس منشور جهانی

سندیکاهای کارگری در راستای

تشکل و آگاهی برای کارگران، از مهر

۱۳۹۰/ چاپ تهران

(چاپی و الکترونیکی)

سندیکای کارگران فلز کارمکانیک

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی

سندیکای کارگران نقاش و تزئینات

سندیکای کارگران بنا

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

اتحادیه نیروی کار پروژه‌ای

<http://vahedsyndica.com>

vsyndica@gmail.com

s_felezkar@yahoo.com

gmail.com@sfelezkar1961

www.sfelezkar.com

irunionmessenger@gmail.com

در این شماره می خوانید:

اطلاعه های سندیکاهای کارگری ص ۱

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور ص ۱۱

آزادی و عدالت اجتماعی، آنچه ما می خواهیم! ص ۳۲

گزارشی از تخلفات صندوق آینده ساز ص ۳۴

حال و روز صندوق های بازنشتگی ... ص ۳۵

آغاز بحرانی آشی نا پذیر ص ۳۶

ما اغشاشگر نیستیم! ص ۴۰

ماندگاری سودآوری ذوب آهن چگونه انجام پذیر است؟ ص ۴۲

نامه رسیده به نشریه پیام سندیکا ص ۴۴

مصاحبه های کوشندگان کارگری ص ۴۶

امنیت شغلی ص ۴۸

مردمی که توالت و حمام ندارند ص ۵۰

طنز کارگری ص ۵۲

کاظم عاشقی نین خاطره لری ص ۵۳

شعور اجتماعی ص ۵۴

زنان کارگر از نظر کارفرمایان ص ۵۵

شعرهای کارگران ص ۵۶

معرفی زنان موفق ص ۵۹

مبانی اقتصاد سیاسی ص ۶۲

پیدایش و تکامل حیات ص ۶۳

برای اطلاع از دیدگاههای ما می توانید به سایت دو زبانه سندیکای

کارگران فلز کارمکانیک ایران به آدرس sfelezkar.com مراجعه کنید.

چرا اعتراض می کنیم؟

اعتراضات چند روزه تهیدستان که از بیکاری، گرانی، دستمزدهای کم به جان آمده بودند، دولت و مسوولین را به واکنش وادار ساخت. با اینکه همه مسوولین پذیرفته اند که ریشه اعتراضات نهفته در برنامه های اقتصادی است اما کوچکترین حرکتی نسبت به تغییر این برنامه های اقتصادی نشان نمی دهند. ۳۹ سال از انقلابی که قرار بود «مستضعفان ولی نعمت» مسوولین و حاکمان باشند گذشته است. برنامه های اتخاذ شده توسط این مسوولین نتیجه ای جز فقر، اعتیاد، بیکاری، گرانی، زیر خط فقر رفتن نصف بیشتر مردم نداشته و اعتراضات اخیر را برانگیخته است.

سیاست محدود کردن سندیکاهای کارگری و صنفی، مسدود کردن فضای سیاسی کشور، زندانی کردن فعالین کارگری و مدنی، و حتا سرکوب درخواست آزادی بیماران زندانی سندیکایی، نمی توانست اعتراض به همراه نداشته باشد. ۳۹ سال نادیده گرفتن آرمان های مردم و اصول قانون اساسی و مسلط کردن سیستم سرمایه داری فاسد در کشور، موجب این اعتراضات گشته است.

امروز کسانی که دارای امکانات مالی بیشتری هستند فرزندان شان از آموزش و پرورش بهتری برخوردارند. سیستم فعلی پزشکی کشور، کسانی را که پول ندارند را محکوم به مرگ کرده است و این مرگ برای زحمتکشان توسط برنامه های اقتصادی مسوولین ۳۹ ساله کشور تدارک دیده شده است. آن هم برای کشوری که اولین ذخایر گازی دنیا و سومین ذخایر نفتی جهان را زیر پا دارد. جالب اینجاست که همه مسوولینی که در خرابی اوضاع اقتصادی اجتماعی کشور دخیل بوده و هستند، امروز ژست اپوزسیون را گرفته اند.

صدا و سیمایی که این روزها اعتراضات مردم به جان رسیده را پخش می کند و هرچه دلشان می خواهد تحلیل می کنند، از پذیرفتن درخواست ۱۰۰۰ کارگر پروژه ای برای انعکاس مشکلات کاریشان سرباز زد. حتا تلاش نمایندگان این کارگران برای در جریان گذاشتن بخشی از نمایندگان مجلس هم در رابطه با این درخواست هم ثمری نبخشید، و صداوسیما به این درخواست اعتنایی نکرد.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران اعتقاد دارد برای غلبه بر بحران کنونی باید: ۱- محدودیت فعالیت های سندیکایی برداشته شده و اصل ۲۶ قانون اساسی رعایت گردد.

۲- کلیه زندانیان صنفی، آزاد و پرونده های امنیتی کوشندگان کارگری مختومه شده و همه کسانی که در این چند روزه دستگیر شده اند، آزاد گشته و دانشجویان به سر کلاس های خود بازگردند.

۳- اصل ۲۷ قانون اساسی مبنی بر آزادی تظاهرات و اعتصاب از سوی مسئولین رعایت شود.

۴- دستمزدهای کارگران بر حسب یک زندگی ۴ نفره افزایش یافته و مبنای محاسبه حداقل دستمزد با حضور نمایندگان واقعی کارگران باشد. بی تردید تا زمانی که در بودجه پیشنهادی دولت، مبلغ تعلق یافته به یک نهاد برابر با بودجه ۵ وزارتخانه کشاورزی، کار، صنعت، راه و شهرسازی و محیط زیست باشد، کارگران همچنان محکوم به زیر خط فقر زندگی کردن هستند.

۵- رفع بیکاری جز با منع واردات کالاهای لوکس و غیرضروری و تغییر در بودجه و سرمایه گذاری در صنعت و جلوگیری از خصوصی سازی میسر نخواهد بود. کارخانه نیشکر هفت تپه تایید کننده گفتار ماست.

۶- قطع دست دلالتان از حوزه صنعت، تجارت و توزیع کالاها، در جهت رفع گرانی با تقویت تعاونی های کارگری، کارمندی، نظامی و اجرا شدن درست اصل ۴۴ قانون اساسی، امکان پذیر است.

۷- رایگان شدن آموزش و پرورش و گسترش و تقویت بیمه تامین اجتماعی و رایگان بر طبق اصل ۳ قانون اساسی باید اجرایی گردد، تا فرزند هیچ انسانی به دلیل بی پولی از مدرسه باز نماند و پشت در بیمارستانی با مرگ روبرو نشود.

۸- کارفرمایانی که در پروژه های نفتی حقوق کارگران را ماهها عقب انداخته و حقوق کارگران را رعایت نمی کنند اخراج شوند و استخدام رسمی همه کارگران پروژه ای شاغل در عرصه نفت و گاز توسط وزارت نفت می تواند فساد در این حوزه را ریشه کن کند.

۹- اصلاح نظام سیستم مالیاتی و دریافت مالیات از شرکت ها و بانک ها و کسانی که درآمدهای نجومی دارند و معافیت حقوق های زیر ۵ میلیون تومان (خط فقر) به بهبود و سلامت سیستم اقتصادی و درآمدهای دولتی کمک می کند.

ما اعتقاد داریم موارد بالا زمانی قابل اجراست که مسوولین به قانون احترام گذاشته و آنچه در قانون اساسی در فصل سوم (حقوق ملت) آمده است را رعایت کرده و پس از ۳۹ سال آن را اجرا کنند. بی تردید عدم تغییر رفتار مسوولین و برنامه های زیانبار اقتصادی، اعتراضات را گسترده تر خواهد کرد. منافع ملی و امنیت ملی در گرو تغییر برنامه های اقتصادی و سیاسی کشور به نفع زحمتکشان باید باشد، نه با افزایش بودجه خرید ابزار مقابله با اعتراضات مردم تهیدست.

هموطنان عزیز، کارگران و دهقانان زحمتکش!

سمت و سوی کشور چاره ای جز تغییر به نفع ۹۹ درصدی مردم کشور ندارد. امنیت ملی، ما را وادار می سازد که به مسوولین راهکار ارایه کرده و از آنان بخواهیم به قانون اساسی و خواسته های مردم احترام بگذارند. اما تا زمانی که در سندیکا‌های کارگری گرد هم نیاییم، زراندوزان و مافیای شکل گرفته در کشور، منافع ملی و امنیت ملی را پایمال خواسته های سودجویانه خود خواهد کرد.

برای آینده ی روشن فرزندانمان و ایرانی آباد و یکپارچه و سرفراز، متحد شویم.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران ۱۵ دیماه ۱۳۹۶

اتحادیه های کارگری جهان در همبستگی با تظاهرات اعتراضی زحمتکشان!



کارگران خواستار دموکراسی و آزادی و مخالف فقر، فساد و سرکوب هستند.

با تظاهراتی که در تاریخ ۲۸ دسامبر ۲۰۱۷ / ۷ دی ماه ۱۳۹۶ آغاز گردید، ایران با اعتراض گسترده طبقه زحمتکش و فقر زده علیه افزایش هزینه های زندگی مواجه شده است. با اوج گیری فریادهای مردم بر علیه فقر، فساد و اختلاس مقامات و سرکوب سیاسی وحشیانه، موج اعتراضات به سرعت به بسیاری به شهرها گسترش یافت.

در این تظاهرات اعتراضی ۷ روز گذشته در مجموع ۲۲ نفر کشته شده اند و نزدیک به هزار نفر با اتهام های تروریسم، جاسوسی و “محاربه علیه اله”، جرمی که مجازات اعدام دارد، بازداشت شده اند. رژیم مدعی شده است که اعتراضات توسط دشمنان خارجی رهبری می شود و تظاهرات هواداران خود بر علیه جنبش اعتراضی را سازماندهی کرده است.

جنبش به اصطلاح سبز، که توسط رژیم ایران در سال ۲۰۰۹ سرکوب شد، عمدتاً توسط ایرانیان تحصیل کرده از طبقه متوسط رهبری می شد. در حالیکه

این اعتراضات توده ای که در حال حاضر در بیش از ۵۰ شهر در حال انجام است، قیامی خود جوش توسط اشخاصی فقیر و در رابطه با طبقه کارگر است که به طور سنتی در گذشته پایگاه اجتماعی رژیم محسوب می شدند.

اقتصاد ایران از زمان امضای توافقنامه برجام (توافق هسته ای با کشورهای ۱+۵) رشد کرده است. عمده رشد اقتصادی به علت از سر گرفته شدن صادرات نفت و گاز است، اما کارگران این بخش صنعت از این رشد سود نبرده اند و اغلب ماهها بدون اینکه دستمزد آن ها پرداخت شود، روزگار از سر می گذرانند. شرایط کاری و مطالبات برخی از این کارگران توسط اتحادیه کارگران فلزکارمکانیک ایران که عضو کنفدراسیون جهانی ایندستریال است، نمایندگی می شود.

در ایران اتحادیه های کارگری مستقل قادر به فعالیت علنی نیستند، زیرا کارگرانی که مشکوک به عضویت در اتحادیه ها باشند از کار اخراج شده و دستگیر می شوند. فعالان اتحادیه کارگری مرتباً بازداشت و شکنجه می شوند و اعتصاب ها سرکوب می شوند. رهبران مستقل اتحادیه های کارگری، رضا شهابی، اسماعیل عبدی، ابراهیم مددی و بسیاری دیگر، با اتهامات دروغین و ساختگی به زندان محکوم می شوند.

از زمان امضای معاهده هسته ای (برجام)، نولیبرالیسم مسلط تر شده است و سرمایه های خارجی شروع به ورود به اقتصاد کشور کرده است. این به نفع نخبگان است، اما به آن هایی که کار می کنند سودی نرسانده است. نرخ بیکاری در سال گذشته ۱,۴ درصد افزایش یافت و به ۱۲,۴ درصد رسیده است و هزینه زندگی افزایش یافته است. نرخ بیکاری در میان جوانان در کشوری که نصف جمعیت آن زیر ۳۰ سال سن دارد، بیش از ۴۰ درصد است.

مازیار گیلانی نژاد، از سندیکای فلزکار مکانیک ایران می گوید:

“مقامات کشور قول داده بودند که با لغو تحریم ها و بازگرداندن میلیاردها دلار درآمد نفت و گاز، اقتصاد دوباره فعال شده و به شکوفائی میرسد. این وعده

ها عملی نشده اند. دولت برای جلب سرمایه گذاری خارجی، برنامه خصوصی سازی خود را تشدید کرده و هزینه های مربوط به بکارگیری نیروی کار را کاهش داده است. در همه جای این صنعت شما با کارگرانی روبرو می شوید که ماهها دستمزد دریافت نکرده اند.

در همان حال، ایران نفوذ خود در منطقه را گسترش می دهد، زیرا در پی آن است که با عربستان سعودی برای کسب تسلط در منطقه رقابت کند. ایران وسیعا "برای حمایت از حزب اله در لبنان، رژیم اسد در سوریه و شورشیان حوثی در یمن سرمایه گذاری کرده است. مردم عادی اعتراض می کنند، زیرا در آمد مالیاتی به جای توسعه زیرساخت ها در داخل کشور برای تامین هزینه درگیری های منطقه ای استفاده می شود.

کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری اخیراً" در بیانیه ای اظهار داشت که تنها اصلاحات بنیادین می تواند به بحران پایان دهد.

آقای کمال اوزکان، معاون دبیرکل کنفدراسیون جهانی سندیکایی اینداستریال، اظهار داشت: "طبقه کارگر در ایران به پا خواسته است، چرا که شرایطشان غیر قابل تحمل شده است. آنها از معامله هسته ای سود نمی برند و رژیم سرمایه و منابع موجود را در جریان فساد و درگیری های منطقه ای هدر می دهد."

"ایران برای نمایندگی منافع کارگران نیاز به یک جنبش سندیکایی مستقل و قوی دارد. دولت ایران میزان نارضایتی کارگران را تجربه کرده است. راه حل این است که سرکوب فعالان اتحادیه های کارگری را متوقف کند، کنوانسیون های اصلی سازمان بین المللی کار را تصویب کند، و به کارگران اجازه دهد که برای بهبود شرایط کار حق سازماندهی و شرکت در مذاکرات کاری را داشته باشند."

با مردم به جان آمده خشونت نکنید!

اعتراض امروز فرودستان و کارگران نتیجه بی عدالتی است.

سال ها گفته شد دستمزدمان کفاف حداقل های زندگی را نمی دهد؛ اما شنیده نشد. حتی حداقل حقوق ناچیز که پنج برابر زیر خط فقر است ماه ها معوق گردید. گسترش خصوصی سازی، شرکت های پیمانکاری، قرارداد موقت و سفید امضا، توسط دولت های مختلف و به صورت مستمر، امنیت شغلی کارگران را از بین برده است. تسهیلات بانکی برای ایجاد شغل، صرف دلالتی و مال اندوزی افراد خاص شد و سیاست های غلط بیکاری را به اوج رساند. فقر گسترش یافته و کارتن خوابی و کار کودکان و زباله گردی برای سیر شدن شکم رواج یافته است. بیمه های درمانی برای کارگران و مردم ناکارآمد است. اختلاس و دزدی اموال عمومی رواج یافته است. با گران شدن خدمات دولتی و حامل های انرژی، گرانی ها در سایر بخش ها نیز شدت گرفته است. کمر فرودستان با هدف مندی یارانه ها شکست ولی سال به سال به ازاء مبلغ ثابتی که به مردم پرداخت شد آزاد سازی قیمت ها گسترده تر شده است. اعتراضات و اعتصابات به حق کارگران و معلمان با ضرب و شتم، اخراج، شلاق و زندان پاسخ داده شده است.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران، سندیکای کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه و دیگر سندیکاها و تشکلات مستقل کارگری و تشکلات مستقل معلمان که از حق کارگران و معلمان دفاع می کنند نه تنها به رسمیت شناخته نمی شوند بلکه با آنها خشونت شده است و نمایندگان آنها دانا با حبس و دادگاه مواجه بوده اند. حتی اصول قانون اساسی در به رسمیت شناختن حق اعتراض برای مردم و برای تشکیل سندیکاها مستقل و پیگیری حقوق کارگران همواره نقض شده است

طعم تلخ این بی عدالتیهای گسترده را همه کارگران و مردم محروم کشیده اند. پاسخ اعتراض مردم به جان آمده برخورد خشونت بار نیست.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران

سندیکای کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه

۱۶ دیماه ۱۳۹۶

بازداشت داوود رفیعی را محکوم می‌کنیم!



در پی اعتراضات به حق و مسالمت آمیز کارگر اخراجی کارخانه پارس خودرو داوود رفیعی در مقابل وزارت کار، ایشان دستگیر و به کلانتری ۱۰۸ منتقل شدند.

داوود رفیعی سالهاست برای بازگشت به کار خود تلاش می‌کند و حتا بازگشت به کارش نیز از سوی قوه قضاییه مورد تایید قرار گرفته، اما کارفرما از پذیرفتن قانون سرباز می‌زند.

با آنکه تمامی مسئولین در چند روز اخیر موضوع رسیدگی به مشکلات محرومان را در شعارهای روزانه خود تکرار می‌کنند، برخورد با این کارگر اخراجی را نمی‌توان با هیچ منطقی پذیرفت. لذا خواهان آزادی او و عذر خواهی وزیرکار از رفتار کارمندانش با داوود رفیعی هستیم

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

۱۹ دیماه ۱۳۹۶

اطلاعیه هیات موسس سندیکای کارگران نقاش و تزیینات

بنا بر اخبار واصله متأسفانه گروهی بدون اطلاع هیات موسس سندیکای کارگران نقاش و تزیینات تهران، نام سندیکای ما را زیر اطلاعیه هایی که ما از نویسندگان خبر نداریم آورده اند. لذا به این وسیله نام سندیکای کارگران نقاش و تزیینات تهران را زیر هر اطلاعیه ای تکذیب می کنیم.

هیات موسس سندیکای کارگران نقاش و تزیینات تهران

۲۰ دیماه ۱۳۹۶

ایمنی کار (۱)

بهداشت و ایمنی کار از مسایل مهمی است که عدم پذیرش هزینه های مرتبط با آن توسط کارفرماها و فقدان استانداردهای مربوط به آن در کارگاه ها باعث خسارات جبران ناپذیری به جان و خانواده ی کارگران شده و بسیاری از کارگران و مزد بگیران از فقدانش به قتل رسیده اند و گروه بسیاری نیز ناقص شده و زندگی شان از هم پاشیده است. کارگران بسیاری در اثر حوادث درمعدن، در صنایع نفت و گاز، در پروژه های سد سازی، کارخانه های اتوموبیل سازی، برج سازی و ... به طور روزانه به قتل می رسند اما معمولاً با تنظیم گزارشی جعلی از حادثه، عدم رعایت ایمنی از طرف کارگر، عامل حادثه معرفی می شود و کارفرما از ابتدایی ترین پاسخگویی و مسئولیت در حادثه مصون می ماند و بدین ترتیب حادثه کار به سادگی فراموش می شود و باز روز از نو

تسلیت به جامعه دریانوردی ایران



با اعلام وزارت راه مبنی بر غرق شدن نفتکش سانچی و کشته شدن ۳۲ ملوان و خدمه زحمتکش این کشتی، سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران تسلیت خود را به خانواده و همه دریانوردان ایران اعلام می‌کند.

امیدواریم هیات تحقیق هرچه زودتر این موضوع را آسیب شناسی کرده بطور شفاف به مردم و جامعه دریانوردی گزارشی از نحوه حادثه را اعلام کنند.

روابط عمومی سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

۲۴ دیماه ۱۳۹۶

□○ آیا می‌دانید؟

♦ بیمه تأمین اجتماعی کارگر برای کارفرما الزامی بوده و حتی با درخواست و رضایت کتبی کارگر برای بیمه نشدن، این تکلیف قانونی کارفرما از بین نمی‌رود.

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور



گزارش خبرنگار پیام سندیکا از وضعیت درمانی بازنشستگان فولاد



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا از ماه گذشته فرانشیز دفترچه های درمانی کارگران بازنشسته فولاد دو برابر شده و به ۱۰ درصد رسیده است.

این افزایش فرانشیز در حالی است که هیچ مدیری برای این افزایش به بازنشستگان پاسخگو نیست.

خدا قوت کارگران مکانیک ذوب آهن اصفهان



شرکت سهامی ذوب آهن اصفهان

بر طبق گزارش خبرنگار پیام سندیکا از کارخانه ذوب آهن اصفهان، انتقال مواد خام به کوره بلند یکی از مهمترین فرایندها تولید چدن است و هرگونه خلل در این انتقال باعث هزینه کمرشکن به روند تولید است.

کارگران مکانیک بونکرهای بخش و پیگیری عملیات طراحی با ساخت استند و آماده سازی محل و مونتاژ در کوتاهترین زمان بارابان تعویض را اجرایی کردند. با آنکه برای این تعویض ۳ شیفت کاری بی وقفه با ۲۴ ساعت کاری زمان بندی شده بود اما کارگران مکانیک با همت کارگری و پشتکار شگفت انگیز خود این عملیات را در ۸ ساعت اجرایی کردند.

با درود به همت و توان کارگری این کارگران از مدیریت می خواهیم پادشی در خور این تلاش برای کارگران در نظر بگیرند.

اگر امروز ذوب آهن توانسته است بدهی های ایجاد شده توسط مدیریت بی لیاقت گذشته را به صفر برساند نتیجه اینگونه تلاش های کارگران بوده است که مدیریت باید آن را درک کرده و قدر آن را بداند.

بیمه تکمیل درمان شاغلان و بازنشستگان ذوب آهن تمدید شد!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا با مبارزات جانانه چندین ساله کارگران بازنشسته و شاغل ذوب آهن از برچیده شدن بیمه تکمیل درمان این عزیزان خوداری شد. مدیریت ذوب آهن و دولت خواهان زیر پوشش رفتن این کارگران و بازنشستگان در سازمان تامین اجتماعی بود که با این تلاش ها، لغو شد.

مدیریت ذوب آهن و دولت در برابر خواسته های بر حق کارگران عقب نشینی کرده و طی نامه ای به شماره ۵۸۰ به تاریخ ۴ دیماه قرارداد تکمیل بیمه درمان بازنشستگان ذوب آهن را تا اول دیماه ۹۷ تمدید کرده است. همچنین قرارداد بیمه درمان شاغلین ذوب آهن نیز از تاریخ ۱۷ دیماه امسال تا ۱۷ دیماه ۱۳۹۷ تمدید گردید. از کارگران خواسته شده است به مراکز طرف قرارداد بیمه ایران مراجعه کنند.

با درود به مبارزات این زحمتکشان موفقیت روز افزون آنان را خواهانیم

هیات تحریریه پیام سندیکا

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از مشکلات کارگران ذوب آهن

۱-مسئولین چرا فکری به حال خودپرداز بانک رفاه که در مدیریت کک و مواد شیمیایی نصب شده است نکرده و این دستگاه را که اغلب اوقات خراب است به حال خود رها کرده اند؟

۲- بانک صادرات به کارگران و کارکنان ذوب آهن اعلام کرده به شرط داشتن موجودی مناسب وام کالا می دهد. بانک می گوید سهمیه کارکنان برای وام

کالا تمام شده است. چرا مدیران مالی موضوع را حل نمی کنند که حداقل کارگران با گرفتن وام کالا مشکیشان را حل کنند.

۳- متاسفانه هزینه درمان کارگران از سوی بیمه ایران پرداخت نمی شود. چرا مدیریت اموال و انبار مداخله نمی کند؟ مسوولین بیمه ایران مشکل را از جانب مسوولین ذوب آهن دانسته و در این بین کارگرانند که سرگردان شده اند.

۴- با اینکه دستگاه وب کیوسک در بخش نورد ۶۵۰ مدتهاست راه اندازی شده ولی هنوز سرپرستان و مدیران از کارگران می خواهند برگ مرخصی خود را ثبت کنند. آیا این کاغذ بازی ها تمام شدنی نیست

۵- با اینکه امور اداری در مورد نحوه اعطای رتبه به کارکنان اعلام کرده که به ازای هر چهارسال مازاد بر سقف رده شغلی یک رتبه با رعایت سایر موارد عنوان شده در دستورالعمل حقوق و مزایا صورت خواهد گرفت اما بیش از ۵ سال است این ارتقا در مورد کارگران و کارکنان ذوب آهن انجام نگرفته است.

۶- کارگران خواستار شفاف سازی نحوه محاسبه و پرداخت فوق العاده نوبت کاری از امور مالی شده اند اما این شفاف سازی صورت نمی گیرد. چرا؟؟

۷- شرایط برخورداری کارگران و کارکنان از ۳ روز مرخصی با حقوق برای کارگرانی که بستگان درجه اول شان فوت می کند معلوم نیست و از سوی مدیریت مالی و اداری شفاف سازی صورت نمی گیرد.

۸- با اینکه امور اداری از فوق العاده ماموریت آموزشی خارج از شرکت با احتساب ۱/۶۰ حقوق و مزایا پس از ماموریت و ارسال گزارش نام می برد اما نحوه و موقع پرداخت را اعلام نکرده است.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از چگونگی سوددهی ذوب آهن

بسیاری می پرسند چگونه کارگران ذوب آهن توانسته اند در کاهش هزینه های ذوب آهن و به سود رسانی آن موثر باشند؟

ما برای اینکه نشان دهیم چگونه سخت کوشی کارگران به این امر یاری رسانده است به این نمونه اکتفا می کنیم

با تلاش کارگران الگومراسیون در PLC کردن اتاق فرمان OP۱ و نصب و راه اندازی الکترو فیلتر شماره ۲ یکی از صدها نمونه ای است که کارگران به تصدیق مدیریت در کاهش هزینه های شرکت انجام داده اند.

اما موضوع تنها تلاش این کارگران به امر سود رسانی کافی نبوده است. بلکه ندادن سختی کار کارگران توسط مدیریت و چشم پوشی از رسمی ننمودن کارگران در تمامی سطوح، نادیده گرفتن محیط پر گرد و غبار و وصل ننمودن فیلترها و هواکش های مناسب و در یک کلام رعایت ننمودن حقوق کارگران مهمترین بخش سوددهی کارخانه بوده است

در عوض گرفتن حقوق های بالا و نجومی مدیران بی لیاقت، ریخت و پاش های بی اندازه در خریدها، خریدهای بی دلیل، فروش کالاهای در انبار به عنوان کالاهای اسقاطی،... از مواردی است که در زیان دهی کارخانه موثر بوده است.

سوال کارگران این است: چرا مدیریت از کسانی که به کارخانه زیان رسانده اند شکایت نمی کند؟

اعتصاب در کارخانه نیشکر هفت تپه



اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه از ساعت هشت وسی دقیقه امروز، دوشنبه مورخ ۲۵ دیماه سال ۹۶، از اداره تعمیر و نگهداری ماشین آلات شروع شد. در ادامه کارگران کارخانه و سایر بخش ها به جمع هم طبقه های خود پیوستند. در این اعتصاب آقای کاظمی - مدیر عامل شرکت - صحبت کرد او همچون گذشته وعده های تو خالی را تکرار کرد. بعدا علیپور - نماینده کارگران و عضو هیئت مدیره سندیکا نیشکر هفت تپه - به همراه یکی دیگر از نمایندگان کارگران به نام بخشی، خطاب به مسئولین شرکت و منطقه سخنان کوبنده ای را بیان داشتند.

مدیریت شرکت سعی دارد به طریق گوناگون کارگران معترض را دوباره با وعده های تو خالی دل گرم کند و در این رابطه اقدام به پخش فیش های دستمزد های دوماه سالهای ۹۴ و ۹۵ در میان بخشی از کارگران نموده است

تا زمان مخابره این خبر هیچ گونه پولی به حساب کارگران واریز نشده است و اعتصاب همچنان ادامه امه دارد.

گزارشی از کارخانه نیشکر هفت تپه:

با توجه به بدقولی های مکرر مدیران شرکت نیشکر هفت تپه و همچنین عدم پایبندی فرماندار به قول های داده شده اش مبنی بر پرداخت مطالبات کارگران، از روز گذشته کارگران به فرماندار و مسوولین دولتی و مدیریت کارخانه مهلت دادند تا آخر روز جمعه نسبت به خواسته های کارگران تعیین تکلیف کنند:

۱- مطالبات معوقه سال گذشته کارگران

۲- مطالبات معوقه امسال و پرداخت دستمزدها که تا مهرماه بیشتر پرداخت نشده است

۳- تسویه بدهی به تامین اجتماعی

۴- تعیین تکلیف قراردادهای کارگران

۵- اجرای طبقه بندی مشاغل در سال ۹۷

۶- اخراج شرکت های پیمانکاری از شرکت

۷- بدست گرفتن مالکیت کارخانه توسط دولت

کارگران تهدید کردند در صورت نیامدن فرماندار به کارخانه و عدم پاسخگویی به مشکلات کارگران، از شنبه خود مدیریت تولید را به عهده گرفته و از کارشناسان فنی و حرفه ای نیشکر برای خدمت رسانی دعوت به عمل خواهند آورد. در ضمن از شنبه به هیچ مدیری اجازه ورود به کارخانه را نخواهند داد.

گزارشی از کارخانه ایران خودرو



به گزارش خبرنگار پیام سندیکا طی هفته های گذشته موضوع اجرای طبقه بندی مشاغل در بین کارگران بسیار موضوع بحث قرار گرفته است. حتی در سالن بدنه سازی ایران خودرو به پیشنهاد کارگران بحث اعتصاب غذا برای اجرایی شدن طبقه بندی مشاغل مطرح گردید که با پیغام شفاهی مدیریت مبنی بر اجرای طرح طبقه بندی مشاغل در بهمن ماه، فعلاً کارگران در انتظار اجرا شدن وعده داده شده هستند. از اجرای آخرین طبقه بندی که در سال ۹۲ صورت گرفته است بیش از ۴ سال می گذرد.

گزارش از کارخانه ایران خودرو دیزل

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا تعداد ۴۰۰ کارگر ایران خودرو دیزل (خاور) به ایران خودرو منتقل شدند. این انتقال بحث برانگیز در حالی صورت گرفته است که کارخانه بنز در سال گذشته برای احیای این کارخانه اعلام آماده گی کرده بود.

انتقال ۴۰۰ کارگر ایران خودرو دیزل به کارخانه ایران خودرو در حال حاضر سختی کار و موقعیت بازنشستگی این کارگران را در هاله ای از ابهام نگه داشته است.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از مشکلات کارگران تبریزی!



تبریز مهد ساخت ماشین آلات صنعتی بوده و یکی از ارکان مهم صنعت در استان به شمار رفته و کارگران صنعتی آن شهره صنایع کشور هستند. محصولات این کارخانه ها به شدت مورد نیاز کشاورزان است و سوددهی خوبی دارد. در حال حاضر ۱۷ روز است که کارخانه ماشین آلات تراکتورسازی در تبریز دره‌هایش به روی کارگران بسته شده است. این کارخانه ۲۲۰ کارگر داشته که فعلاً بیکار و سرگردان هستند. این کارگران از بابت معوقات سال ۹۴ طلبکارند و ۸ ماه است که در سال جاری دستمزدی دریافت نکرده اند. متأسفانه خریداران این کارخانه نسبت به پرداخت این بدهی ها به کارگران بی تفاوت بوده اند و مسؤولین اداره کل صنایع تبریز نیز نسبت به این معوقات و همچنین الزام کارفرما به اجرای ماده ۱۲ قانون کار و پرداخت دستمزدهای کارگران هیچ واکنشی نشان نداده اند. این درحالی است که از قرارداد کارگران هنوز ۳۰ روز باقی مانده است. این کارگران خواهان بازگشایی کارخانه و اشتغال به کار هستند.

همچنین کارخانه کمباین سازی تبریز با داشتن ۴۴ کارگر نیز یک هفته است که بسته شده است و کارگران این کارخانه نیز سرگردان گشته اند. پس از خصوصی سازی کارفرمای این کارخانه به اداره اوقاف بدهی داشته که آن را نپرداخته و موجبات بسته شدن کارخانه را فراهم نموده است. کارگران تا کنون بابت ۲۲ ماه دستمزد خود طلبکارند.

تجمعات کارگران این کارخانه ها تاکنون پاسخی از سوی مسؤولین دریافت نکرده است.

کارگران پروژه ای به پیام سندیکا گزارش می دهند



پروژه بازار ایرانیان (ایرانمال) با بیش از ۳۰۰ کارگر یکی از کارگاههای معروف و در عین حال غیرانسانی برای کارگران است. کل پروژه فساد و واسطه گری هست. چنان شرایط بدی بوجود آورده که در آخر کارگر به یاد اردوگاههای اجباری کار نازیها می افتد.

درکل حدود بیست الی سی شرکت حالت پیمانکاری کار را برداشته اند و به افراد پیمانکار همدست خود داده اند و این سلسله مراتب گاهی به ده رده میرسد. بطور مثال دوستی توضیح میداد کارفرما کار لوله های فلزی برق را متری سی و هشت هزار تومان برداشته ولی تا کار به کارگر مجری برسد، می شود متری دوهزار تومان.

بجز محدود نفراتی که در راس کارها و بیمه شرکت هستند، هیچ کارگری بیمه نیست. شرایط کاری بسیار نامناسب است. تاریکی در پله ها و سرما و گرد و خاک و کثیفی محیط بیداد می کند که باعث مریض شدن مرتب کارگران و انتقال بیماریها به دیگر کارگران می شود. قضاوت کنید بدون بیمه و امکانات چطور می شود کار کرد؟

خوابگاهها از نظر امکانات رفاهی صفر هستند و کارگر ایرانی با سایر کارگران خارجی در زیر یک سقف باید زندگی کنند. برق خوابگاهها فقط از ساعت پنج عصر تا هفت ونیم صبح روشن بوده و در مدت روز خاموش است.

حالا حساب کنید کارگری که مریض شده و در داخل کانکسی سرد در طول روز برای استراحت چه بلایی سرش خواهد آمد. برای خوردن نهار باید کف زمین نشست که بسیار آلوده و سرد است. شرکت ایرانمال برای صرفه جویی یک رستوران یا جایی برای خوردن غذا در نظر نگرفته است.

به دلیل نبود روشنایی یک کارگر اسفراینی در چاله آسانسور سقوط کرد و مُرد. این کارگر اسفراینی کارگر شرکت بتن شیب بود و آنجایی هم که افتاده بود در دید هیچ کسی نبود. این کارگر زحمتکش کارش نظافت محدوده شرکت بتن شیب در طراز طبقه R ۱&۲ بوده و چون همیشه در این دو طبقه در حال نظافت محوطه بود، کسی فکر اینکه برایش مشکلی پیش آمده باشد را نمی کرد. هنگام ناهار که مهندس سرپرست طبقه متوجه غیبتش شده و پس از جستجو و متوجه می شوند که در اتاق آسانسور پشت دفتر افتاده و متاسفانه فوت شده بود.

از این تریبون استفاده کرده به برادران کارگرم توصیه می کنم برای کار کردن در شرکت ایرانمال قبلن پرسو جوی کافی کرده باشند.

گزارش رسیده به خبرنگار پیام سندیکا از فاز ۱۴

زندگی کارگران پروژه ای

شرایط کاری شرکت پیمانکاری خاکی فاز ۱۴ آی جی سی در روزحدود یک ساعت و نیم نسبت به بقیه شرکتها اضافه کاری دارد و در بعضی مواقع تا دو ساعت در روز هم می رسد. محل کار در یک سوله واقع در لیدان ۲ هست که محل کمپ کارگران در تپه آنتن هست و فاصله محل کار تا محل کمپ همیشه بیش از نیم ساعت هست. در فصل گرما یک کارگر حدود دو ساعت از وقت استراحت خودش را درون سرویس بین محل کار و محل کمپ به سر می برد و تقریباً وقتی برای استراحت ندارد. در هر اتاق حدود ۸ نفر حضور دارند و غذا در رستوران کمپ ارایه می شود و هر کارگر حداقل باید بیست دقیقه در

صف باشد تا نوبت دریافت غذایش برسد چون تمام نیروهای آی جی سی از این رستوران استفاده می کنند و رستوران یک ساعت باز هست.

با احتساب وقت صرف شده در سرویس شاید اگر عجله کند به غذا خوردن برسد آن هم با لباسهای کثیف و عرق کرده. اگر کارگری بخواهد در رستوران غذا بخورد، باید با همان وضع أسفبار و بوی گند لباس کار و عرق کرده و ناخوش آیند غذایش را بخورد. اگر غذا را، به خوابگاه ببرد باید حدود نیم ساعت تا چهل دقیقه در صف حمام باشد تا حمام کند و مدت وقت حمام و شستن لباسهای کار درون حمام را نیم ساعت حساب کنید با پیدا کردن جای انداختن لباس، که خودش معطلی هست، و بعد بررسی و غذایت را بخوری. شاید خاموشی بقیه هم اتاقیها زده شده باشد چون فردا صبح ساعت ۴ صبح باید بیدار باشی وگرنه به صبحانه و سرویس نمی رسی چون تایم کاری بیشتر هست و سرویسها زود میروند. در نهایت باید کار کنی به این امید که شاید روزی دلشان خواست و کیفشان کشید پولت را بدهند. قرارداد نیز که معلوم هست چند برگ که لازم نیست بخوانی فقط امضاء کن و برو. اینجا فقط باید کار کنی. زندگی کارگران مدتی در سرویس و مدتی در صف صبحانه و ناهار و شام و مدتی در صف حمام و شستن لباسها و ساعت ۴ صبح هم بیدار باشی توی آن گرمای تابستان، باید تلف شود و جوانی مان از بین برود. حقوقش هم اگر کیفشان کشید پرداخت می کنند، کیفشان نکشید برو هرکاری دلت می خواهد بکن. البته با نهایت لطف و این جمله معنی مؤدبانه برو هر غلطی دلت می خواهد بکن هست

امید من و کارگران دیگر این است که هرچه زودتر بتوانیم به سندیکا بپیونديم تا به این زندگی مرگبار پایانی خوش دهیم.

محسن کارگر پروژه ای

قانون کار: هر واحد تولیدی صنعتی، کشاورزی و خدمات، با دارا بودن حداقل ۳۵ نفر اعضا (کارگر)، می توانند نسبت به تشکیل شورای اسلامی کار اقدام کرده و برای خود نماینده برگزینند.

گزارش تکمیلی از پتروشیمی لردگان

پیرو گزارش خبرنگار پیام سندیکا از وضعیت پتروشیمی لردگان به کارفرمایی شرکت هم پا و پیمانکاری آزادی مقدم و نودرپور به چند مورد گزارش از وضعیت نابسامان این پتروشیمی اضافه می‌کنم

پیمانکار آقای نودرپور سرویس رفت و برگشت در اختیار بومیان منطقه نمی‌گذارد و آقای آزادی مقدم هم از مینی بوس های مدل دهه‌ی ۷۰ و ۶۰ برای سرویس استفاده می‌کند. همچنین آزادی مقدم هر نیروی فنی که استخدام می‌کند به مدت یک هفته باید آزمایشی کار کند.

من خودم به شخصه برای کار با شغل فیتز نزد این پیمانکار استخدام شدم و بعد از تست و قبول شدنم، پنج روز با تحمل بدترین شرایط کار کردم. در این شرکت فشار کاری امان کارگر را می‌برد. به فیتز کمکی نمی‌دهند و انتظار دارند آمار در سایت ۳۰ اینچ باشد. هفته اول اگر تایید شده باشی حقوق ۲۴ روزه ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان قرارداد می‌بندند. اگر هم تایید نشده باشی، یک هفته آزمایشی طبق اداره کار روزه ۳۰ هزار تومان حساب می‌شود. فورمن و سرپرست ها مانند جلادان برده دار رفتار می‌کنند. حراست پتروشیمی بازرسی های غیرقابل تحمل دارند، افسران ایمنی خیلی از حرکات نا ایمن را نادیده می‌گیرند.

ما می‌خواهیم سندیکا به منطقه آمده و ما را آموزش های سندیکایی بدهد. در اینجا ظلم خیلی زیاد است.

زنده باد سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران حامی

کارگران پروژه ای

جواد کارگر پروژه ای

گزارش خبرنگار پیام سندیکا در مورد کارگران بلوچ در پروژه ها

یکی از مشکلات کارگران پروژه ای که کمتر درموردش صحبت می شود، کارگران بلوچ مناطق فقیرنشین سیستان می باشد. با توجه به اینکه بیکاری بسیار زیاد و هم چنین میزان درآمد در سیستان و بلوچستان خیلی کم است، معمولن این کارگران با هرشرایطی کار می کنند. البته بلوچ ها جزو سخت کوش ترین کارگران هستند. یکی از پدیده های زشت در میان این کارگران متأسفانه مصرف مخدر نارس است. مدت کمی بعد از قرار دادن نارس درون دهانشون کاملن تغییر کرده و تبدیل به یک رباط می شوند. اعتیاد به این مخدر به دلایل فقر شدید درمحل زندگی اشان هست که به هرشرایطی تن داده و کار می کنند. هنگام مصرف نارس کاملن گرسنگی و تشنگی و خستگی و احساسات شان از بین رفته و فقط کار کنند.

زندگی درشرایط سخت خانوادگی باعث شده که به چندین ماه بدون حقوق کارکردن بعنوان مشکل نگاه نکنند یا شرایط و امکانات رفاهی و خیلی چیزهای دیگر برایشان زیاد مهم نباشد. که متأسفانه باعث سواستفاده پیمانکارها گشته است که در موارد اعتراضی، به مشکلی پیش روی کارگرن معترض تبدیل می شود.

کارگران بلوچ در مورد اعتصاب و کارنکردن نگاهی متفاوت دارند. آنها دوست دارند در هر صورت شاغل باشند و کار کنند. در مواقع اعتصاب فقط به فکر این هستند که یک جوری بی طرف باقی مانده و معمولن گوش به فرمان مسئول واحد، فورمن ها، بگیر تا بالاتر هستند. شوربختانه این کارگران به دلیل عقب مانده گی اجتماعی سیستان و بلوچستان و محرومیت ای فرهنگی و اقتصادی زیاد دنبال یادگیری هم نیستند. به عنوان مثال متأسفانه به رعایت نظافت زیاد اهمیتی نداده، که این هم عادی است. که به دلیل مشکلات محل زندگیشان می باشد نه اینکه ذاتن کثیف باشند، شرایطی که زندگی کرده اند همینطور بوده است. فقر و نبود امکانات در بیشتر مناطق دور افتاده این استان به حدی هست که افرادی از این دست ابتدا که وارد پروژه می شوند از آب غیره شرب استفاده می کنند و وقتی به آنها گوشزد می کنی ، آنها می گویند در

محل زندگیشان از آب گل آلود نیز آشامیده اند. فقر فرهنگی باعث شده که مدیرانشان را ارباب صدا می‌کنند.

معمولن کارگران کم حاشیه ای هستند، ولی از پیمانکاران و سرپرستها خیلی حساب می‌برند، چون آنها حتا به یک روز کار نکردن هم حساسن و دوست دارند فقط کارکنند و در اعتراضات هم زود کوتاه می‌آیند. بلوچ ها بسیار ساده و با صداقت هستند.

رمضان کارگر پروژه ای

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از پروژه بیمارستان آتیه

روز یکشنبه ۲۴ دیماه در شهرک غرب میدان صنعت بلوار فرحزادی پروژه بیمارستان آتیه، متأسفانه به دلیل عدم رعایت ایمنی ۲ رهگذر جان باختند.

حادثه در زمانی اتفاق افتادکه بر اثر سقوط مصالح ساختمانی به هنگام بالا بردن آن توسط تاور و ریخته شدن مصالح بر سر دو رهگذر خانم متأسفانه هر دو نفر جان خود را از دست دادند.

این اتفاقات ناگوارنشان از کم اهمیت دادن به مسایل ایمنی در کارگاههای عمرانی و سودجویی پیمانکاران و عدم توجه مالکین این پروژه است.

سالهاست سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران از وزارت کار خواسته است بازرسی های دوره ای خود را افزایش بدهد که تاکنون بی پاسخ مانده است و نتیجه آن کشته شدن ۲ هموطن بی گناه می باشد.

نامه یک تکنسین پرتونگار به پیام سندیکا



یکی از کارهای سخت و مخاطره انگیز در پروژه های نفتی و سایر کارگاهها کار با دستگاه پرتو نگاری است که برای عکس گرفتن از جوشکاری انجام شده می باشد.

بنده سیزده سال است که کار با پرتو با دستگاه ایکس و گاما در پروژه ها انجام میدهم. از مشکلات بزرگ تکنسین های پرتو نگاران نحو محاسبه حق اشعه در حقوق است. که طبق قانون کار تا پنجاه درصد حقوق است ولی اکثر کارفرمایان بین پنج تا ده درصد محاسبه می کنند و در لیست بیمه بصورت کارگر عادی بیمه شان را محاسبه و به تامین اجتماعی پرداخت می کنند. که تکنسین ها هنگام بازنشستگی و محاسبه سختی کار به مشکل برمی خورند. اشعه خوری پرتونگاران است که حساب کتاب ندارد. کار با پرتو هیچ زمان و مقدار معینی ندارد. کارفرمایان تا بتوانند از این تکنسین ها کار می کشند و در نهایت با یک آزمایش خون هر شش ماه یک بار موضوع سلامتی این تکنسین ها، سر هم بندی می شود

با تشکر برادر کوچک همه شما محمدرضا

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از کارگران فضای سبز ساوه

فضای سبز ساوه در دست چندین پیمانکار قرار دارد که ۲ پیمانکار را به عنوان نمونه نام می‌بریم.

۱- شروان حاکمی پیمانکاری که ۷۶ کارگر فضای سبز را در اختیار دارد این پیمانکار تا کنون ۴ ماه است که حقوق کارگران را پرداخت نکرده است و ۳ ماه نیز حق بیمه کارگران را پرداخت ننموده است

۲- علیرضا مجرد پیمانکاری که ۵۴ کارگر را در اختیار دارد و در حال حاضر ۲ ماه است که حقوق کارگران و ۳ ماه حق بیمه آنها را پرداخت نکرده است.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از کارخانه های شیشه

کارخانه آینا جام قم در سال جاری کارخانه را با ۳۶ کارگر بسته و پس از مدتی به ۴ کارگر خود اجازه داده است. این ۴ کارگر هم از ۳۶ همکار خود فقط ۱۲ نفر را به کار دعوت کرده اند. در واقع ۲۰ کارگر در این کارخانه بیکار شده اند.

در کارخانه جام فدک شمس آباد هم کارگران از ۴۰ نفر به ۲۵ نفر تقلیل یافته اند.

خبرهای کارگری خود را به آدرس تلگرامی ما بفرستید:

A۶UEbtD۰vrZ۷_HH۲RVj۹https://t.me/joinchat/BK

اخبار کارگری شرکت واحد به نقل از گروه تلگرافی سندیکای واحد



۱- با دستور پیمان سندنجدی اضافه کار رانندگان و کارگران سامانه شش کاهش یافته همچنین گروه شغلی ایشان ارتقا نمی یابد

یکی از مسئولین سامانه شش شرکت واحد به شرط اینکه نامش فاش نشود گفت: با دستور مدیر عامل شرکت واحد پیمان سندنجدی، اضافه کار رانندگان و کارگران سامانه شش به دلیل عدم مشارکت در رای گیری شورای اسلامی کار فرمایشی کاهش یافته همچنین با ارتقاء گروه استحقاقی شغلی شان موافقت نمی گردد.

در حالی که اصولاً شورای اسلامی کار باید نماینده کارگر باشد. اما همانگونه کارگران در طول سالیان شاهد بوده اند کاملاً برعکس شورای اسلامی کار منافع مدیریت را دنبال می کند و انتقام گیری مدیریت از کارگران نیز بار دیگر به روشنی این موضوع را تایید می کند.

به مدیریت اخطار می کنیم هر چه زودتر رویه غلط خود را ترک کند و بترسد از روزی که کارگران همچون عدم مشارکت در رای گیری شورای فرمایشی با هم متحد گردند و در مواقعی که مدیریت نیاز به اضافه کاری رانندگان داشته باشد همه یکپارچه حاضر به اضافه کاری نباشند و چالش جدی برای مدیریت بوجود آورند.

۲- بی عملی شورای فرمایشی در مورد مطالبات معوق شده کارگران از جمله طرح طبقه بندی مشاغل، شارژ کارت اعتباری و لباس فرم

حمایت شورای اسلامی کار فرمایشی از مدیریت برای سرکوب و فروکش کردن اعتراضات کارگران موجب شده مدیریت با خیالی آسوده حتی مزایایی را که از سال های قبل رانندگان و کارگران شرکت واحد بر پایه اعتراضات عمومی به دست آورده بودند را نسبت به سال های گذشته کم و یا بعضاً قطع کند.

۳- مبلغی که باید به مناسبت عید قربان و عید فطر کارت اعتباری کارگران شارژ می شد؛ پرداخت نشده است و در ضمن از سال گذشته هم معوقات شارژ کارت اعتباری وجود دارد. لباس فرم رانندگان و لباس کار کارگران را نداده اند. شورای فرمایشی هیچ اقدامی برای بازنگری طرح طبقه بندی مشاغل انجام نداده است و شورای بی خاصیت در مورد مسکن هر از گاهی با انتشار عکس و خبری تبلیغاتی که هیچ نتیجه ای نداشته تلاش دارد؛ مانع از اعتراضات کارگران برای پیگیری مسکن باشد.

۴- رضا شهابی کارگر زندانی از اعضای هیئت مدیره کارگران شرکت واحد درحالی که دوران محکومیتش ۱۸ دی ماه به پایان رسیده است و از نظر جسمانی در شرایط وخیمی بسر میبرد بجای آزادی از زندان و یا انتقال به بیمارستان، متأسفانه از زندان رجایی شهر به زندان اوین منتقل شد و در حال حاضر در زندان اوین محبوس است.

سندیکای کارگران شرکت واحد تاکید میکند مسئولیت هرگونه مشکل جسمانی برای رضا شهابی کارگر زندانی را بعهدہ زندانبان و مسئولین قضایی میداند و خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط این کارگر زندانی است.

۵- باز هم حادثه تصادف با عابر در خط یک BRT

روز سه شنبه ۲۶ دی در محدوده ایستگاه دکتر قریب در ساعت ۹ صبح اتوبوس با عابر برخورد کرد و مصدوم با اورژانس به بیمارستان منتقل شد.

رشد بازنشسته شدن راننده ها و عدم استخدام راننده جدید به دلیل اینکه مدیریت در تفکر اجرای خصوصی سازی های بیشتر است موجب کمبود راننده در حال حاضر شده است. مدیریت برای جبران کمبود راننده با الزام، همچنین دادن اضافه کار انگیزشی از رانندگان می خواهد تا تعداد رفت و برگشت در خط را افزایش دهند و استرس ناشی از آن موجب تصادفات می گردد.

۶- علی رغم اینکه پیش از این دادگاه تجدید نظر داود رضوی برگزار شده اما مجدداً برای روز چهارم بهمن به شعبه ۳۶ تجدید نظر دادگاه انقلاب احضار شده است!

داود رضوی عضو هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد مجدداً برای روز چهارم بهمن به شعبه ۳۶ تجدید نظر دادگاه انقلاب احضار شد. پیش از این در همین پرونده روز سیزدهم آبان دادگاه تجدید نظر برای ایشان برگزار شده بود.

داود رضوی و ابراهیم مددی نایب رئیس سندیکا کارگران شرکت واحد دو روز پیش از روز جهانی کارگر سال ۱۳۹۴ نیمه های شب هر یک بطور جداگانه در منزل شان دستگیر و پس از ۲۲ روز بازداشت موقت با قرار کفالت صد میلیون تومانی آزاد شدند.

شعبه ۲۶ دادگاه بدوی انقلاب رضوی را به پنج سال و مددی را پنج سال و چهار ماه حبس تعزیری محکوم کرده است. بازداشت این دو تن برای

جلوگیری از برگزاری مراسم روز جهانی کارگر توسط سندیکا در میان رانندگان شرکت واحد صورت گرفته است.

۷- شورای اسلامی کار فرمایشی سامانه دو ناتوان از برآورده کردن ابتدایی ترین حق کارگران (تامین آبگرم) می باشد

کارگران شاغل در تعمیرگاه پنج سامانه دو شرکت واحد حدود یکسال است که آبگرم برای استحمام و سرویس های بهداشتی ندارند و علی رغم پیگیری های مکرر از مسئولین ذیربط هیچگونه اقدامی صورت نگرفته است و کارگران از الزامات اولیه بهداشت کار که آبگرم می باشد؛ محروم هستند.

شورای های فرمایشی اسلامی کار در هنگام رای گیری ها با تبلیغات گسترده مدعی می شوند که مشکلات کارگران را برطرف و حق قانونی کارگران را پیگیری می کنند و در هر دوره از انتخابات ادعا دارند که شورایی که قرار است روی کار آید با شوراهای قبلی متفاوت خواهد بود و از حقوق کارگران دفاع خواهد کرد اما پس از رای گیری، شورا دوباره در خدمت مدیریت در می آید! و حتی عاجز از برآورده کردن ابتدایی ترین حق کارگران است.

سوال: کارگری سه روز است در کارگاهی مشغول به کار شده ولی نه درخواست بازرسی برای بیمه ارسال شده و نه در لیست بیمه کارگاه اسمش آمده، متأسفانه دچار حادثه شده، روند اعلام موضوع به بیمه و پیگیری ها چطور باید باشد؟

پاسخ: ابتدا باید رابطه کاری او اثبات شود و سپس مقوله تامین اجتماعی وی حل شود. چون برقراری رابطه کاری منجر به انجام تعهد از تامین اجتماعی خواهد شد، معمولاً تامین اجتماعی در این موارد سختگیری های لازم را دارد.

آزادی و عدالت اجتماعی، آنچه ما می خواهیم!

۲۲ بهمن امسال، ۳۹ سال از آنچه مردم در خیابانها فریاد می زدند و خواستار آن بودند و به آن نرسیدند، می گذرد. ۳۹ سال خواسته های انقلابی مردم بی پاسخ مانده و شورش دیمه زحمتکشان واکنشی است به این بی اعتنایی. و جالب آنکه همه مسوولین خود نیز معترض روند کنونی هستند و کسی نیست به آنان بگوید پس چه کسی جز شما مسوولین ۳۹ ساله، باعث خرابی مملکت است؟

وقتی در سال ۶۱ سندیکاهای کارگری بسته شد و فقط برای دستگیری رهبران کارگری فلزکارمکانیک سه مینی بوس اعزام گردید، راه خرابی های امروز آغاز شد؟؟

رویگردانی از خواسته های عدالتخواهانه مردم و رفتن بسوی سرمایه داری باعث شورش های دیمه و پس از آن خواهد شد.

وقتی بیمارستان ها و مدارس پولی شد و با خصوصی سازی کارخانه ها به تدریج شکل گیری یک قشر تازه به دوران رسیده از میان خانواده های مسوولین فراهم شد، که بستر بروز فساد گسترده حکومتی از یکسو و فقر و نارضایتی مردم از سوی دیگر آغاز گردید.

اگر مردم دست به تظاهرات زدند برای این بود که هیچ سازمان و حزبی و سندیکایی را تفکر ضد اصل ۲۶ و ۲۷ قانون اساسی که وجود تشکلهای صنفی و سیاسی و تظاهرات و اعتصاب را قانونی و حق زحمتکشان می داند را، نتوانست تحمل کند. سندیکاهای کارگری و احزاب و سازمان های سیاسی واقعی می توانند برای جلوگیری از اختلاس، فساد دولتی به میدان بیایند و به جای شورش های کور و سرکوب زحمتکشان از حقوق مردم دفاع کنند تا فرزندان مردم چنین به مسلخ مرگ نروند و یا زندان ها از آنان لبریز نشود. زحمتکشان ایران آزادی و دموکراسی و پایان وضع رقت بار کنونی را که عده ای چپاولگر باعث آن هستند، را خواهند. و خواستار حذف سیستم نابرابر اقتصادی و سیاسی کنونی و بازگشت به اصول آزادی و عدالت اجتماعی که در فصل سوم قانون اساسی به آن اشاره شده است، هستند.

فقر و فساد و تبعیض و خشونت و مسوولینی که پیوند خود با جامعه و مردم کشورش را هر روز از دست داده و سیستمی فراهم آورده اند که به تولید فساد و غارتگری دامن می زند، پایان هر دولتی است.

دست اندازی های مکرر به صندوق های بازنشستگی و به ورشکستگی کشاندن این صندوق ها، جلوگیری از افزایش دستمزدهای کارگران در وزارت کار، ایجاد شرکت های پیمانکاری برای به برده گی کشاندن زحمتکشان ایران، چشم بستن بازرسی وزارت کار بر ایمنی و سودجویی کارفرمایان، ورشکسته کردن سازمان تامین اجتماعی با برگماری مدیران نالایق و بی عرضه، امنیتی کردن فعالیت های صنفی و سیاسی، متهم کردن فعالان صنفی و مدنی به برهم زدن امنیت سرمایه سالاران، عدم شفافیت در امور دولتی، عدم مبارزه با اختلاسگران و بر باد دهندگان ثروت ایران زمین، در پیش گرفتن سیاست های اقتصادی که به گرانی و تورم و کم شدن قدرت خرید زحمتکشان، اینها سیاست هایی است که کشور را با بحران روبرو ساخته است.

برای رفع زمینه های نارضایتی عمومی، و مبارزه با فقر و فساد و حاشیه نشینی و تحقیر مردمی که نان در سفره ندارند، باز کردن راه دموکراسی و آزادی های سندیکایی و سیاسی، راهگشاست. همه اینها به نیروی مردمی که در سندیکاهای کارگری متشکل شده اند، نیاز دارد. یکی از راهکارهایی که بتوان خواسته های مردم را انعکاس داد، انتخابات واقعی است. انتخاباتی که همه مردم و به ویژه زحمتکشان، بدون مانع های ساختگی بتوانند نمایندگان خود را نه تنها در مجلس بلکه در شورای عالی دستمزد و سازمان تامین اجتماعی داشته باشند. حضور مستقیم و آگاهانه مردم در همه عرصه ها و از جمله در خیابان ها و آزادی اعتصاب می تواند نقض کنندگان حقوق مردم را به چالش بکشد و چهره آنان را بنمایاند. تنها با حضور آگاهانه سندیکاهای کارگری و احزاب سیاسی و فعالان مدنی و اجتماعی است که می توان تغییرات را به ناقضان عدالت اجتماعی تحمیل کرد و عدالت و برابری و آزادی را که خواست ملی و عامل همبستگی مردم است را به سیاستی مردمی برای آبادانی کشور تبدیل نمود.

مازیار گیلانی نژاد بهمن ۱۳۹۶

گزارشی از تخلفات صندوق آینده ساز



صندوق آینده ساز که یک بیمه گزار خصوصی است و با رانت در مقابل سازمان تامین اجتماعی ایجاد شد و بخشی از کارگران ایران خودرو و تراکتورسازی را در بر گرفته و باعث آواره گی این کارگران را پدید آورده است ، تخلفات زیادی را داشته و به مرز ورشکستگی رسیده است. از جمله:

۱-دوتابعیتی بودن برخی اعضاء هیات مدیره صندوق

۲-اجاره ای بودن تنها دفتر صندوق و نداشتن تابلو

۳-عدم حسابرسی از صندوق آینده ساز توسط هیچ یک از ارگانهای رسمی کشور

۴ -درج نشدن نام صندوق در بین موسسات غیردولتی عمومی

۵ -عدم رسیدگی به شکوائیه های مربوط به صندوق توسط دیوان عدالت اداری

۶ -فروش پی در پی املاک صندوق و عدم عضو گیری توسط صندوق

صندوقی که قرار بود آینده ساز برای کارگران باشد، امروز آینده ای تاریک را برای کارگران ترسیم می کند.

حال و روز صندوق های بازنشستگی به اسم ما به کام دیگران

ربیعی به مجلس رفت تا به سوال نماینده ها درباره یکی از صندوق های بازنشستگی توضیح بدهد. توضیحی که البته فقط نماینده ها را قانع کرد و کارگران را هنوز نه. ولی قضیه صندوق ها دقیق چیست؟ بگذارید مثالی بزنم. ۸۰ هزار نفر بازنشسته عضو صندوق بازنشستگی فولاد هستند که امروز ورشکسته محسوب می شود. این ۸۰ هزار نفر برای دریافت حقوقشان هر ماه تجمع می کنند و که خبرهایش را شنیده اید.

صندوق بازنشستگی به شکل ساده و نه چندان علمی یک صندوق بیمه است که افراد در طول دوران خدمتشان قسمتی از حقوقشان را برای آن پرداخت می کنند تا از خدمات درمانی و مستمری بازنشستگی بهره مند شوند. در کشور چیزی حدود ۱۶-۱۷ صندوق بازنشستگی وجود دارد. بزرگترین آن صندوق تامین اجتماعی و صندوق کشوری و تامین اجتماعی نیروهای مسلح و کوچکترها صندوق کارکنان بیمه، کارکنان بانکها، کارکنان شهرداری و... است. در حال حاضر و روی کاغذ فقط یکی از این صندوقها ورشکسته نیست! ورشکستگی این صندوقها فقط به بازنشسته ها ضربه نمی زند. به طور مثال صندوق بازنشستگی بانکها یک صندوق ورشکسته است پس بانک باید با روشهای دیگری حقوق آنها را تهیه کند. کدام روش؟ افزایش غیرواقعی نرخ بهره تسهیلات! یعنی همه کسانی که از بانکها وام میگیرند باید ضررش را بدهند.

حالا سازمان تامین اجتماعی که درآمدش حاصل مشارکت سه جانبه از طرف کارگرا، کارفرماها و دولت است در سراسی بی سقوط به همان دره ای است که قبلا همه صندوقهای دیگر در آن سقوط کردند. اما چرا؟ چند دلیل ساده اما مهم وجود دارد:

مهمترین دلیل در این بین ناکارآمدی اکثر مدیرانی است که در طول این سالها در تامین اجتماعی بوده اند. آنها هرگز نتوانسته اند در برابر دست درازی دولت ها به این صندوق مقاومت کنند و گاهی خودشان هم از آن سو استفاده کرده اند.

سیاسیون هم در این بین از صندوق ها بهره مند شده اند. مثلا فکر کنید نماینده های مجلس یک روز از خواب بیدار شدند و تصویب کردند که فلان مشاغل با ۲۰ سال کار بازنشسته شوند اما نگفتند اینها که ۱۰ سال کمتر حق بیمه پرداخت می کنند بعدن از کجا باید حقوق بازنشستگی شان پرداخت شود. دولتهای مختلف هم هیچوقت به تعهداتشان به این صندوق عمل نکردند. دولت امروز ۱۴۰ هزار میلیارد تومان به صندوق تامین اجتماعی بدهکار است. کارگر بازنشسته صندوق آینده ساز - حکمتی

آغاز بحرانی آشتی نا پذیر

Kmkoomak.wordpress.com

بحران های اجتماعی و شورش های خیابانی دهه های پیشین که برآیند یک مناسبات اقتصادی بیدادگرانه نو لیبرالیستی بود، به یک توطئه دشمنان انقلاب نسبت داده می شد. زیرا چشمان نزدیک بینی را، که حتی نوک بینی خود را نمی بیند، باز هم بیشتر می بستند، و نیروهای نظامی و سرکوب را به میدان کسانی می بردند که از انحراف انقلاب ضد سرمایه داری ۲۲ بهمن ایران به سوی سرمایه داری دلالی وابسته به بانک جهانی و صندوق بین المللی پول به تنگ آمده بودند. با این شیوه شاهنشاهی سرکوب، می خواستند آرامشی آریامهر گونه، برای حاکمیت سرمایه داری دلالی خود، تدارک ببینند. آنهایی که مردم را عوام می بینند و خود را با " ژن های برتر"، هرگز نمی توانند از مردم درکی ژرف داشته باشند، لذا در پیش بینی سیر تحولات آینده خود و مردم ناتوان و درمانده اند. چند روزی است که علایم آغاز بحران های خیابانی نمود پیدا کرده است. در این رابطه آقای جهانگیری معاون ارشد دولت در رسانه ها با چهره ای متفکر و متعجب!! ظاهر می شوند و اعلام می کنند: از نظر اقتصادی وضع دولت رو به توسعه و بهبودی است ولی عده ای قدرت طلب، دولت به اصطلاح نزدیک به مواضع اصلاح طلبان را، می خواهند تضعیف کنند. (نقل به مضمون) !!! گویی این معاون ارشد از اطراف خود بی خبر است. بدتر از شیوه های دوران برده داری اصول گراها، عملکردهای به ظاهر نرم اصلاح طلبان است که در همان دولت اول اصلاح طلبان، آن هم با مجلسی که اکثریت قاطع آن از همان قماش دولت خاتمی بودند، همه کارگاه های زیر ده نفر ایران را از شمول قانون کار خارج کردند و بدین وسیله همه حقوق قانونی – مدنی زحمت کشان را از میان بردند. از کارگاه های قالیبافی در روستاها تا آژانس های هواپیمایی در پایتخت، و استخدام های جدید برای آموزش و پرورش را از حقوق قانونی شان محروم کردند. رقمی بیش از ده میلیون نیروی کار در کشور را. در واقع وحشیانه ترین استثمارانسان از انسان. زیرا حقوقی که به این کارگران و حقوق بگیران پرداخت می شود، یک سوم حداقل حقوق کارگرانی است که از شمول قانون کار خارج نشده اند. که

این حداقل حقوق هم با خط فقر در ایران فاصله بعیدی دارد. آن هم بدون پرداخت سنوات و خدمات درمانی و بازنشستگی.

معاون ارشد دولت می گویند: از نظر اقتصادی همه روند ها عالی پیش می روند و مشکلی وجود ندارد. مردم همان بزعم آقایان "عوام" تصور می کنند که جناب جهانگیری یک دروغ گوی بزرگ است. ولی این همه ی واقعیت نیست. بلکه حق با آقای جهانگیری و دولت است. زیرا مناسبات اقتصادی موجود؛ که هم اصول گراها و هم اصلاح طلب ها آن را تایید می کنند، طبق نظام اقتصادی دیکته شده صندوق بین المللی پول، مرده ریگ جناب رفسنجانی (تعدیل ساختاری و خصوصی سازی) با همه توان و قدرت بدون نیاز به پاسخگویی به مردم، به پیش می تازد. مناسباتی که تعدیل ساختاریش میلیون ها کارگر و حقوق بگیر را بیکار و گرسنه رها کرده و وزرای و مدیران محترم دولتش هم، با صراحت اعلام می کنند:

—ما که قیم مردم نیستیم؟!—

خصوصی سازی این مناسبات هم، منابع، معادن، صنایع بزرگ و مادر کشور را بین آقازاده های دلال منش با "ژن های برتر" تقسیم نموده و می نماید. آن هم با وام های میلیاردی برای خرید این صنایع و منابع. وام هایی که هرگز اقساط آن پرداخت نشده و نخواهد شد. و اشتغال زاییش فراهم نمودن شرایط کسب و کار دلالی برای آقازاده هاست. نه توسعه صنعت و وارد کردن تکنولوژی مدرن. همه این عملکردها در کنار فساد مالی و دزدی های کم نظیری که در تاریخ یک حاکمیت به ظاهر الهی و مقدس قابل توجه است. زیرا دست کاتولیک های قرون وسطی اروپا را هم از پشت بسته است چون آن مقدسین آسمانی حتی زمین های بهشت را هم به مردم می فروختند. تنها اختلاف کارگران و حقوق بگیران ایران همان هایی که با کار خود نعمات مادی را تولید می کنند و به جامعه خدمات می رسانند، با اقلیت حاکمیت و نهادهای محافظ سرمایه داری دلالی وطنی؛ اختلاف بر سر واژه هاست. واژه مردم بزعم حاکمیت که با خصوصی سازی منابع ملی را در اختیارشان می گذارد. منظور اقلیت "خواص" یا همان آقایان و آقازاده ها با ژن های برتر است. که

امروزه در جای اشراف سلطنت طلب سابق تکیه زده اند. جایگاهی که مانند میز مدیران ادارات موقتی است و باید روزی آن را به کس دیگری تحویل بدهند. پس از خواص و نوکران آنها؛ بقیه افرادجامعه باز هم بزعم آقایان "عوام اند". عوام هم از نظر آقایان نه صلاحیت چند و چون مسایل را دارند و نه حق و حقوقی به نام حقوق مدنی و اقتصادی. زیرا قانون اساسی تحریف و وارونه شده با اضافات دوره ایش، حقوق آنها را تایید نمی کند. بخش اصلی و مولد جامعه ی کارگری و همه حقوق بگیران، بر اساس خواست "آقایان" تنها مشتی ابزار و آلات کارند، در خدمت "خواص". از این رو زمانی که حتی در رسانه های سیستم، مانند ایلنا خبر داده می شود که کارگران فلان جا ماه ها حقوق دریافت نکرده اند؛ هیچ نهاد دولتی و حتی هیچ آیت الهی، برایش اهمیت ندارد که از حاکمیت بپرسد، چرا "کار آفرین" های حاکمیت، به وظیفه خود عمل نمی کنند. و نمی پرسند خانواده کارگران وقتی از درآمد کارشان محروم می شوند، آن هم با این گرانی تصاعدی که زمینه آن را دولت برای تامین درآمدش فراهم می کند. چگونه باید زندگی بنماید؟؟!! زمانی که کارگران با دست کشیدن از کار تقاضای حقوقشان را می نمایند. بزعم آقایان می شوند توطئه گر برعلیه نظام مقدس "خواص" و او را به محاکم شرع می سپارند تا هم چون بردگان مصری در چند هزار سال پیش، شلاق و زندان را تجربه بنماید. ولی امروز دیگر کارد به استخوان شان رسیده و به خیابان ها سرازیر شده اند. باز دولت با سخنگویش به علت و معلول این بحران توجه ندارد و به دنبال توجیهی برای بی گناهی جلوه دادن خود می گردد. و باز خود را به راه حل همیشگی اش چماق می سپارد (کشته شدن افرادی در درود). طی این چند دهه پس از پایان جنگ، چندین بار این گونه بحران ها را با سرگوب خفه کرده اید ولی می بینید باز این زخم مداوا نشده، عفونی تر سر باز می کند. "آقایان به قول مولوی" صد بار از آن راه به آن خانه برفتید یک بار از این ره بر این بام برآیدید" سرکوب مردم یا بزعم شما "عوام" و "ابزارهای" تولید؛ تنها برآیندش، برخاستن بحران اجتماعی با خشم و نفرت ویرانگری دیگری است. سرکوب هرگز راه درستی برای باقی ماندن و زندگی کردن در کنار مردم نیست.

حذف غیر قانونی آزادی اندیشه از اصول قانون اساسی باعث گردیده سر رشته بحران ها به نیروی ویران گر حوادث سپرده گردد. که تر و خشک را با هم

جارو می کند و به زباله دان تاریخ می ریزد. روز های اولیه انقلاب اصولی مانند اصل ۴۴ قانون اساسی حقوق مردم و وظیفه شما را مشخص نموده بود. ولی شما حقوق مردم را با پذیرفتن مناسبات نولیبرالی (امپریالیستی) لگد مال نمودید و در واقع مشروعیت خود را به زیر پرسش همگان بردید. حقوق قانونی مردم را و آزادی اندیشه آن ها را، به مردم باز گردانید. مناسبات واسطه گری را به دور بریزید، تا این امکان را بیابید در کنار مردم زندگی کنید. اگر این بار هم با کمک چماق و اتهام زدن صدای مردم را خاموش کنید. بار دیگر بحران اجتماعی توفنده تر و ویرانگرتر، تار و پود همه را از هم خواهد درید.

اتحادیه نیروی کار پروژه ای ایران

سخن گو ناصر آقاجری ۱۰ دیماه ۱۳۹۶

من اینجا ریشه در خاکم

من اینجا عاشق این خاک اگر آلوده یا پاکم

من اینجا تا نفس باقیست می مانم

من از اینجا چه می خواهم، نمی دانم!

امید روشنائی گرچه در این تیره گی ها نیست

من اینجا باز در این دشت خشک تشنه می رانم

من اینجا روزی آخر از دل این خاک با دست تُهی، گل بر می افشانم

من اینجا روزی آخر از ستیغ کوه، چون خورشید، سرود فتح می خوانم

فریدون مشیری

ما اغتشاشگر نیستیم!



هیچ کارگری و هیچ ایرانی به دنبال ناآرامی نیست و نخواهد بود... عاملین ناآرامی دزدانی هستند که گوشه‌های خود را برای شنیدن ندای دادخواهی فعالین سندیکایی، مدنی و حقوقی بسته اند و جواب اعتراض ها را با زندان و شکنجه و شلاق می دهند.

دستگیری و زندانی شدن پی در پی فعالین کارگری مانند اسماعیل عبدی، علی اکبر باغانی، بهشتی لنگرودی از آموزگاران، جعفر عظیم زاده، رضا شهابی، حمید شرقی، مازیار گیلانی نژاد نشان از ناتوانی رژیم در رسیدگی به مطالبات حقوقی کارگران دارد. دولت هیچگونه اعتراض مسالمت آمیز را نمی پذیرد و بامحدود کردن فعالیت سندیکا‌های کارگری خود را از پرداختن به مشکلات مردم و شنیدن اعتراض به حق نمایندگان واقعی کارگران به کری و کوری می زند.

آیا ما مردم و کارگران اغتشاشگر هستیم یا دلالان و دزدان و تبهکاران که سر در آخور زحمت مردمان انداخته اند؟ آیا کارگران پروژه ای که ماهها حقوق نگرفته اند و به گرسنه گی کشانده می شوند اغتشاشگراند یا آنانی که دستمزدهای این کارگران را نمی پردازند؟

هیچ کس نمی تواند حرکت معترضان کارد به استخوان رسیده و ارتش بیکاران و گرسنگان را محکوم بنماید. تنها گستاخان و تن پروران دلال و بی درد که موقعیت خود را در خطر می بینند و برای ندادن حقوق کارگران دست به سیاه نمایی زده ، در برابر کارگران و ستمدیدگان و مالباختگان موضع می گیرند تا شاید از جانب حکومت به نان و نوایی برسند. مگر حادثه زلزله زدگان کرمانشاه را به همین زودی فراموش کرده ایم که چه سیاه نمایی هایی از جانب دلالان انجام گرفت و مستاصل و درمانده از اینکه چه کاری بایستی انجام بدهند مات و منگ در خود مانده بودند و نمی توانستند وارد میدان کارزار کمک رسانی به آسیب دیدگان زلزله زده بشوند. اگر مردم و فعالین مدنی و کارگری وارد عمل نمی شدند آیا کمکهایی به زلزله زدگان میرسید تا باز دوباره بتوانند پس از آسیبها و ویرانی زلزله آنها در اوایل سرما جان پناهی برای خودشان پیدا بنمایند؟!

بهتر است بی جهت به مردم و جوانانی که آینده نامعلوم و تاریک خود را در پیشانی چین خورده و سیاه و خشناک کارفرمایان می بینند دآوری ننماییم که باز هم در پناه برچسبهای تقدس گرایانه شان، مردم بی خانمان و درمانده را سرگردان بنمایند. شاید بتوان به این اعتراضات غالب آمد، اما جوش و خروش مردمی که خواسته های اولیه ای چون رفع بیکاری و داشتن دستمزدی متناسب با گرانی همیشه در جریان هست و حکومتها اگر خرداندیشی بنمایند و مطالبات مردم را پیگیری بنمایند نیازی به درآوردن شمشیر از غلاف هایشان نخواهند داشت.

وارتان خرم‌دین،

عضو سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران

۱۳۹۶/۱۰/۱۴

ماندگاری سودآوری ذوب آهن چگونه انجام پذیر است؟

با توجه به اخبار پی در پی روابط عمومی ذوب آهن از سودآوری این شرکت، آیا این سودآوری مستمر خواهد بود؟؟ چه روندی را مدیریت باید در پیش بگیرد تا این سودآوری همچنان ماندگار شود؟ پیشنهادهای ما به مدیریت ذوب آهن به این قرار است:

۱- با توجه به سودآور شدن شرکت هرچه زودتر موضوع افزایش دستمزد کارگران در راس برنامه های مدیریت باید قرار بگیرد. این موضوع می تواند با اجرای طبقه بندی مشاغل، تعیین تکلیف قراردادهای کارگران، سختی کار، و ارتقا گروه کارگران متناسب با کار و تخصص و تحصیل آنان صورت گرفته و دریافتی کارگران را تا حدودی بهبود بخشد.

۲- مدیریت از تشکل های کارگری در بخش های مختلف برای کم کردن فاصله ها بین مدیریت و کارگران استقبال نموده و پذیرای نظرات کارگران و مهندسین برای بهبود روند تولید باشد.

۳- برای سودآور ماندن شرکت ذوب آهن مدیریت باید یک برنامه ۵ ساله شامل به روز سازی تاسیسات فنی و تولید و ابنیه ارایه دهد و کارگران را نسبت به این برنامه از طریق تشکل های کارگری مطلع ساخته و نظرات کارشناسی آنان را اخذ کند.

۴- استخدام نیروی متخصص و تکمیل نیروهای کارآمد جوان در کنار کارگران با تجربه برای انتقال تجربیات به سرعت صورت گیرد تا هم فشار کاری بر روی کارگران بخش ها کاهش یابد و هزینه های رکود در خطوط تولید و فنی کاهش یافته و هم خطای انسانی به حداقل برسد

۵- تجهیز تاسیسات ایمنی به روز از جمله هواکش ها، آسانسورها، و ماشین آلات انتقال دهنده موجب بهره وری و کاهش ساعات تولید خواهد شد. که در کنار این موضوع برای سلامت نگه داشتن کارگران و جلوگیری از پیری

زودرس و فرسوده گی بیش از حد با بکارگیری متخصصان بهداشت محیط کار و آسیب شناسی بیماری های رایج در شرکت را آغاز نمود.

۶- تجهیز اکیپ های تعمیر و نگهداری و زمان بندی درست و استاندارد با همفکری کارگران بخش ها جهت تعیین مدت زمان تعمیرات دوره ای صورت گیرد تا از خرابی دستگاهها و رکود ناشی از آن به تولید و کاهلت و فرسوده گی شرکت جلوگیری به عمل آید.

۷- تشکیل کار گروه قضایی برای بررسی سومدیریت ها، اختلاس ها، ریخت و پاش ها، و خریدهای بی مورد و غلط و در یک کلام تمامی افرادی که باعث ورشکستگی و نابودی ثروت و دارایی شرکت گشته اند را به سیستم قضایی معرفی تا احقاق حق شرکت و برگشت اموال و جبران خسارات به شرکت و خزانه دولت انجام گیرد.

۸- احیا و ارتقا صندوق درمانی کارگران در جهت احترام به حقوق کارگران سخت کوش ذوب آهن تا در زمان پیری از تسهیلاتی در خور شخصیت و کوشش خود برخوردار باشند.

کارشناسان سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

□○ چرا در خوزستان گرد و غبار بیداد می کند؟!

◆ بهروز بهروزی، کارشناس محیط زیست می گوید: سه چهارم از عرصه های ۷۰۰ هزار هکتاری تالاب هورالعظیم در خاک ایران، خشک و به کانون خیزش گرد و غبار تبدیل شده است. فقط ۱۰ هزار هکتار از تالاب هورالعظیم آب دارد.

نهاد احیای تالاب، تامین حقایق آن است. با خشک شدن این تالاب ۹۰ درصد صیادان شغل خود را از دست داده اند و صنایع دستی و گاومیش داری متکی بر این تالاب هم نابود شده است.

نامه رسیده به نشریه پیام سندیکا

من حسین هستم. می‌خواهم واقعه‌ای که شاهد بودم را توضیح دهم. من از آذر امسال در پروژه کثیف و حق کارگرخور پالایشگاه نفت ستاره خلیج بندر عباس، چه سختی‌ها که از دست پیمانکار و وضعیت اسفبار این پروژه کشیدم

در ابتدای جهت استخدام به شرکت شهید رجایی پالایشگاه نفت ستاره معرفی شدم بعد از گذراندن روز استخدام و پول خرج کردن از کرایه ماشین بگیر تا سوپیشینه و... سرکار رفتم. شغل هم فیتتر است و برای پیمانکاری پارسین سازه کار می‌کردم، که قراردادی مشابه با قرارداد سنگین کاران داشت که این قرارداد بعد از ۱۵ روز کار کردن با من بسته شد و حقوق سه میلیون دوست هزار تومان به ازای ۲۴ روز برای در نظر گرفته شد. از یک هفته اول کار کردم، بگم

دوستان این پیمانکار چنان مرا تحت فشار کاری گذاشت، مخصوصاً فورمن هاشون که من روزی ۶۰ اینچ لوله فیتاپ می‌کردم. روز چهارم از شدت کار زیاد و شبها از درد خوابیدن و بی‌خوابی و سرماخوردگی، سر ظهر تشنج کردم و راهی درمانگاه شدم. بعد از یک روز استراحت، سرپرست پیغام داده که اگر فردا سرکار نیایی، تسویه کن. منم با تمام اون دردها فردا رفتم سرکار. خب می‌خواهم کمی هم از وضعیت خوابگاه بگم. شاید خیلی از شما تو کمپ حاجبی رفته باشید، یک اتاق به ما دادند که به غیر از من شیش کارگر دیگه هم با من زندگی می‌کردند.

پیمانکار بی‌شعور برای گرم کردن اتاق یه هیتر برقی آورد، که نه محافظ داشت نه گرم می‌کرد. خطر برق‌گرفتگی داشت و هم آتیش سوزی. این هیتر قرار بود هفت نفرمون که تو اتاق بودیم سینه قبرستون ببره و هم ۱۲۰ هزار تومن به من بدبخت خسارت مالی زده، چطور؟

ما همین هیتز می‌گذاشتیم روی یه سنگ و از ناچاری ، می‌گذاشتیم یه گوشه اتاق تا این که ، من یه کُت تکی داشتیم ، اویزان کردن به میخ ، هم اتاقی ما هم از سر ندانم کاری ، این هیتز صاف گذاشته ، زیر کُت من.

متاسفانه شب ساعت ۲ بامداد که همه خواب بودند نمیدونم چطور این کُت من میافته بر روی هیتز و میسوزه و دود میکرد ، یکی از هم اتاقی هایمان که از کارگران دلاور مرد و پاک سرشت بلوچ بود، بوی دود به مشامش خورد و به کمک اون و خواست خدا همه رو از خواب بیدار کرد. ما راز مرگ حتمی نجات داد. بعد که برق روشن کردیدیم دیدیم کُت آتش گرفته، و سریع خاموشش کردیم و بخیر گذشت ، فردا اون روز به پیمانکار و ایمنی گفتیم که چه اتفاقی افتاده، انگار که به لوله ها می‌گفتیم ، پیمانکار میگفت خب حالا بزرگش نکنید .

از این گذشته تو کمپ حاجبی چپ بری راست بیایی، بلانسبت شما فقط سگ های ولگرد جلوت سبز میشوند، این سگ ها با تعداد بیشمار همه بیماری برای کارگر ذلت کشیده میاورند . هیچ کس هم نیست جوابگو باشه از این همه رنجی که ، کارگران این پروژه فاسد می کشیدند. خوابگاه بلانسبت شما ساس داشت ، سگ داشت ، سرما بود ، اتاق پر از کثیفی بود ، پتو و تشک کهنه بودند و ...

پیمانکار خبیث مرا به خاطر این تسویه داد که این اواخر با راهنمایی دوستان سندیکایی، دیگر زیر بار نمی رفتم . اونا هم برای اینکه قوم وخویش ، خودشون بجای ما استخدام کنند این را بهانه را می آوردند. برای حقوق دو ماهی که کار کرده بودم به امور مالی رفتم، پولم را ندادند، کارم کشید به حفاظت فیزیکی آنها هم هیچکاری نکردند و فقط من یک رسید گرفته ام که من از این شرکت طلبکارم.

دوستان ، سرتون سلامت و تنورتون داغ، اگه بخوام از فساد این پالایشگاه بگم باید یه کتاب بنویسم ، فقط میگم با کارگران سندیکایی همکاری کنید . بخدا قسم بدونه متحد شدن ، کار پیش نمیره و وضعیت از اینی که هست بدتر خواهد شد.

دروود بر غیرتتان. حسین

مصاحبه مازیار گیلانی نژاد عضو سندیکای کارگران فلزکارمکانیک با خبرگزاری ایلنا: لزوم انتشار صورتجلسه مذاکرات شورای عالی کار/ کارگران باید شفاف و دقیق همه چیز را بدانند

مازیار گیلانی نژاد می‌گوید: این حق کارگران است که بدانند در مذاکرات مزدی پشت درهای بسته چه اتفاقاتی رخ می‌دهد.

به گزارش خبرنگار ایلنا، مازیار گیلانی نژاد (فعال صنفی کارگران فلزکار) در ارتباط با توقعات کارگران از مذاکرات مزدی گفت: با شروع مذاکرات مزدی و کلید خوردن تعیین حداقل دستمزدها برای سال آینده، به منظور آن که حقوق کارگران پایمال نشود، انتشار صورتجلسه مذاکرات شورای عالی کار پس از برگزاری هر جلسه این شورا، از جمله حقوق مسلم کارگران است و این کمترین خواست کارگران از نمایندگان کارگری در این شورا می‌تواند به حساب آید. هرگونه بی‌اعتنایی به این خواست و عدم شفافیت نمایندگان کارگران و نمایندگان دولت، به نوعی مشارکت در پایمال کردن حقوق کارگران است و این اقدامی است علیه کارگران کشور و خانواده‌هایشان که در ماههای پایانی سال، دل‌نگران اتفاقاتی هستند که پشت درهای بسته در حال دادن است.

کارفرمایان نیز موظفند گزارش عملکرد و صورت‌های مالی شرکت‌ها و کارگاه‌هایشان را برای اطلاع کارگران انتشار دهند. آگاهی از نحوه عمل و فعالیت‌های اقتصادی کارگاه‌ها حق مسلم کارگران است؛ به ویژه آن که در شرایط کنونی، کارفرمایان به‌منظور لاپوشانی ضعف‌ها، سوءمدیریت‌ها و ریخت‌وپاش‌ها، انگشت اتهام را به سوی کارگران و دستمزد آنان نشانه رفته‌اند و تلاش می‌کنند از افزایش دستمزد به بهانه اینکه هزینه‌ها را بالا می‌برد و از توانشان خارج است، جلوگیری کنند.

گیلانی نژاد با بیان اینکه اطلاع‌رسانی از حقوق بدیهی کارگران است؛ در پایان تاکید کرد: کارگران باید شفاف و دقیق بدانند چه اتفاقاتی در حال رخ دادن است تا بهتر بتوانند کنشگری داشته باشند و در سرنوشت خودشان مشارکت کنند.

مصاحبه رضا رخشان عضو هیات مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه با خبرگزاری ایلنا: کارگران خواستار مزدی هستند که تکافوی هزینه‌های زندگی را بدهد

«رضا رخشان» می‌گوید: اگر دولت به اعضای کارگری شورای عالی کار اجازه قوی‌ظاهر شدن در جلسات تعیین مزد را بدهد، ممکن است با اجرای کامل ماده ۴۱ قانون کار، برای سال آینده از بار هزینه‌های زندگی خانواده‌های کارگران کاسته شود.

به گزارش خبرنگار ایلنا، رضا رخشان درباره توقعاتی که کارگران از نتیجه جلسات مزدی شورای عالی کار دارند؛ گفت: سنگینی هزینه‌های زندگی مساله‌ای است که خانواده‌های کارگران در سراسر کشور آن‌را احساس می‌کنند و برای همین آن‌ها خواستار مزدی هستند که تکافوی هزینه‌های آن‌ها را بدهد. اگر اعضای کارگری شورای عالی کار در جلسات تعیین مزد، قوی‌ظاهر بشوند و بتوانند برای اجرای کامل ماده ۴۱ قانون کار، اقدامی انجام دهند؛ ممکن است برای سال آینده از بار هزینه‌های زندگی خانواده‌های کارگران کاسته شود. متأسفانه تاکنون اعضای کارفرمایی و دولتی شورای عالی کار هر سال با غلط خواندن متن قانون، دستمزد کارگران را به اندازه عددی که نرخ تورم نام‌دارد؛ افزایش داده‌اند و تازه بابت همین افزایش جزئی نیز برسر کارگران منت گذاشته‌اند. برخلاف تصور غلطی که سالهاست متداول شده، هیچ کارفرمایی از افزایش واقعی دستمزدها ضرر نخواهد کرد؛ زیرا این مبلغ در نهایت بابت تامین نیازهای مختلف خوراکی، بهداشتی، درمانی، آموزشی و مسکن خانوارها هزینه خواهد شد.

رخشان عقیده دارد: افزایش ناچیز مزد سالانه‌ی کارگران، رابطه مستقیمی با استقلال نهادهای صنفی کارگری دارد. سال گذشته که در جلسات تعیین مزد، مبلغ دو میلیون و چهارصد و هشتاد و نه هزار تومان به عنوان حداقل هزینه سبد یک خانوار متوسط در نظر گرفته شد، حداقل دستمزد بیش از ۱۴ درصد افزایش نیافت. همین‌حالا هم اگر کارگری از بابت امنیت شغلی و معیشتی خوش‌شانس باشد، شاید بتواند با هزار جان‌کندن، درآمد ماهانه خود را طوری افزایش دهد که ارزش ریالی آن با در نظر گرفتن همه مزایای مزدی، نزدیک به ۲ میلیون تومان بشود؛ اما باز هم این درآمد با حداقل هزینه یک زندگی معمولی فاصله معنی‌داری دارد. وی بایان اینکه بخش قابل توجهی از نارضایتی‌های که امروز در جامعه با آن مواجه هستیم، ناشی از سنگینی بیش از حد بار هزینه‌های زندگی و گسترش شکاف طبقاتی میان گروه‌های مختلف درآمدی است؛ افزود: برای خود دولت هم خوب است تا با به رسمیت شناختن استقلال واقعی نهادهای صنفی کارگری، شرایط را به سمتی ببرد تا دستمزدهای سال ۹۷ به اندازه هزینه‌های واقعی زندگی افزایش یابد.

امنیت شغلی



امروز، در سرویس شایع شده فردا قراره تعدادی از کارگران را تسویه حساب کنند. اولین چیزی به ذهن هر کارگری خواهد رسید این موضوع است که آیا من هم جزو اخراجی ها هستم؟ اگر به خانه بروم به همسر چه بگویم؟ آیا می توانم کار پیدا کنم؟ چقدر طول خواهد کشید؟ حالا کو تا فردا؟ ببینیم خدا چی می خواد. از خودت بیرون میایی. دوستت میگوید: «پروژه همینیه دیگه. کی به کی..» راست می گوید تا حالا که همینطور بوده است! اما فکر و خیال کار خودش را می کند.

«...خوب اون یکی متأهله و هزار مشکل و هیچی نمیگه و پکر نشسته تو سرویس. هرکس یه چیزی تو، ذهنشه و یه چیزی میگه. یکی میگه کاش تا عید کار میکردم. حداقل عید دست خالی نباشم. اون یکی خودش تنهاس، پدرش از دنیا رفته و قراره خانواده ش و چند تا برادر و خواهر کوچکترش و مادرش رو نون بده حالا اون چیکار کنه؟؟»

وقتی موضوع اخراج مطرح می شود دیگر هرکسی خودش و شانشش است. برای آدمهای فقیر و گرفتار آنچه مطرح میشود و از اتحاد چیزی نمی داند و

هی تکرار می کند و برایش عادی شده، موضوع شانس است و مرتب برای تسکین خودش می گوید «خدا روزی رسونه ...»

از امروز دنبال کار می گردد. زنگ میزند، از دوستان سراغ کار میگیرد...

فکر و خیال بحث در سرویس تا محل اسکان او را به خود مشغول می کند. در محل اسکان شلوغی و گرمی همیشگی نیست. فضا عوض شده، رغبتی برای غذا خوردن نیست. حال و دل و دماغ حمام رفتن کم شده. در صف حمام هرکس با هر نظر و فکری جمله های تکراری را مرتب می گویند: «... بله پروژه بیرحمه و امنیت نداره. خدا هم روزی رسونه. یکی هم مونده خودش و شاننش. حالا هیچ راهی نیست که هم امنیت شغلی داشته باشی....»

متأسفانه در نبود سندیکاهای کارگری و نداشتن آگاهی از حقوق کارگرمیان، کارفرماها هر جور که دلشان می خواهد با ما رفتار می کنند.

باید به عضویت سندیکاهای کارگری در آمد و کارگران را در این سندیکاها متحد کرد تا حقوق مان و آینده کارگری و فرزندان مان پایمان سودجویی کارفرماها نشود.

ارسال کارگر پروژه ای

امنیت تنها به معنی عدم جنگ در کشور نیست؛ امنیت حقیقی یعنی تمام افراد جامعه بدون توجه به نژاد، دین، طبقه، جنسیت و پایگاه اجتماعی، از حقوق یکسان برای رشد برخوردار باشند
(... نلسون ماندلا)

بخش آموزش سندیکای کارگران فلزکار مکانیک

گزارش روزنامه ایران از مردمی که توالت و حمام ندارند

اهالی روستاهای جنوب کرمان ماهی یکبار حمام میکنند. مجبورند در پایین دست رودخانه کم جان با آبی حمام کنند که بیشتر، مردها چند صدمتر بالاتر خود را با آن شسته اند، برای خیلی از زنان روستا این معضل فقط گوشه ای از بی امکاناتی آنها است چرا که زنان «رمشک و چاه نوروز و قلعه گنج» زمستانها نمی توانند در سرمای خشک و سوزاننده این منطقه تن به آب بزنند. وضعیت بهداشتی در جنوب استان کرمان بخصوص قلع گنج و روستاهایش آنقدر وخیم است که بیشتر زنهای آن دچار عفونت شده اند و برخی از آنان هم سرطان دهانه رحم گرفته اند. پول و امکاناتی برای درمان و معالجه وجود ندارد. آنها حتی پولی برای خرید نوار بهداشتی هم ندارند و در مرز بیماریهای صعب العلاج قرار گرفته اند.

اگر پزشک خانواده خانه بهداشت «رمشک» مرخصی برود دیگر کسی نیست که مریض ها را ویزیت کند، هر کسی که حالش بد شود باید ۲۸۰ کیلومتر برود تا بندرعباس. مردم قلعه گنج میگویند وزیر بهداشت زمانی که بیمارستان ۳۲ تختخوابی شهرشان را افتتاح کرده است عنوان کرده به این مرکز درمانی نمی شود گفت بیمارستان.

ساکنان قلعه گنج و روستاهایش با درد محرومیت به دنیا می آیند و با فقر میمیرند. اهالی اینجا هر دو روز یک بار تنها ۳ ساعت آب دارند آن هم در هوای گرم طاقت فرسای کویری، قلعه گنجی ها از داشتن مرکز درمانی مجهز محرومند. فاصله زیاد روستاها از مرکز درمانی یکی از مشکلات اصلی در این استان پهناور است که دسترسی مردم به خدمات بهداشتی و درمانی را سخت تر کرده است.

مردم قلعه گنج و ۳۲۰ روستای آن بشدت از فقر پزشک متخصص و فیزیوتراپ و پزشک عمومی رنج میبرند؛ هر چند بسیاری از روستاهای این منطقه مجهز به خانه بهداشت هستند اما بیماران مبتلا به سرطان، دیابت، تالاسمی و مبتلایان به بیماریهای عفونی مجبورند برای دسترسی به دارو و پزشک و استفاده از خدمات تشخیصی، دستگاه دیالیز، شیمی درمانی و آزمایشگاه کیلومترها در راه باشند.

بیماری هایشان یکی دو تا نیست؛ سوءتغذیه، شیوع سرطان معده و پستان و دهانه رحم، دیابت و افزایش تالاسمی و هیپاتیت که به زندگی مردمان محروم و دردمند این منطقه گره خورده است.

ترا دوست دارم

پیرمردی با همسرش در فقر زیاد زندگی می‌کردند. هنگام خواب، همسر پیرمرد از او خواست تا شانه‌ای برای او بخرد تا موهایش را سرو سامانی بدهد. پیرمرد نگاهی حزن‌آمیز به همسرش کرد و گفت که نمی‌توانم بخرم، حتی بند ساعت پاره شده و در توانم نیست تا بند جدیدی برایش بگیرم. پیرزن لبخندی زد و سکوت کرد. پیرمرد فردای آن روز بعد از تمام شدن کارش به بازار رفت و ساعت خود را فروخت و شانه‌ای برای همسرش خرید. وقتی به خانه بازگشت، شانه در دست با تعجب دید که همسرش موهایش را کوتاه کرده است و بند ساعت نو برای او گرفته است؛ مات و مبهوت اشکریزان همدیگر را نگاه می‌کردند. اشک‌هایشان برای این نیست که کارشان هدر رفته است، برای این بود که همدیگر را به همان اندازه دوست داشتند و هرکدام به دنبال خشنودی دیگری بودند. به یاد داشته باشیم اگر کسی را دوست داری یا شخصی تو را دوست داشته باشد باید برای خشنود کردن او سعی و تلاش زیادی انجام دهی. عشق و محبت به حرف نیست باید به آن عمل کرد.

طنز کارگری

جعفر: نفس نفس زنان به سمت کارگر میره و میگه کارگر جان همین الان یه چیزای باور نکردنی با چشای خودم دیدم

کارگر: خب بگو چی دیدی؟ جعفر

جعفر: رفتم سمت دفتر این پیمانکارمون دیدم دارن موز میدن ،دلستر میدن ،به کارگرا پول نارنگی شب یلدا میدن ،،، تازه پیمانکار گفته من بعد هر روز حقوق میدیم . تازه عیدی و سنوات رو هم میخواست بگه ...

که شور بختانه از خواب بیدار شدم

خبر مهم ○ □

دقت فرمایید خدایا و شکر اینجا همه چیز خوب پیش میره ✓

کارگران همه شاغل هستند ، امنیت شغلی اصلا نداریم ، 100

کارفرمایان ، حقه هیچ کارگری را پایمال نمیکنند ☺

اینجا خیلی وقته کارگرا اعتصاب نمیکنن □

این کارگر میگه :: من که کارگرم در سال شیش ماه کار میکنم ، اینقدر حقوق بهم میدن ، که شیش ماه بعدی رو میخوابم ☹☹

حمید معصومی نژاد ررررر

تهیه کننده: وحید پروژه ای

کاظم عاشقی نین خاطره لری

دزد بی انصاف

دزدی در گذشته با امروز خیلی فرق داشت. آنقدر کمبود در زندگی بود. حتی به دزدی نان هم می رفتند. مادرم میگفت بر روی کرسی پالاز دست باف می انداختیم. وقتی شبها می خواستیم بخوابیم. روی کرسی یک سینی مسی بزرگ مژمه هی می گذاشتیم. تا دزد با ارسین از بالا باجه ججیم را بالا نکشد



روزی دزری وارد خانه ای می شود. همه جا را میگردد چیز بدرد خوری گیرش نمیآید ببرد. نامرد به مشق های بچه خط میکشد. تعطیلات عید بود. بچه مشق هایش را نوشته بود. وقتی فردا به دفترش نگاه میکند داد و بیداد میکند. شما که میگفتی شب بخانه دزد آمده بود. هیچی نتوانسته ببره. به مشق های من خط کشیده. نامرد

شعور اجتماعی

هر انسانی وقتی از خصلت های حیوانی و غرایز فاصله می گیرد به شعور اجتماعی می رسد!

شعور اجتماعی یعنی احترام به نفس انسان ها، یعنی اندیشیدن به منافع اجتماعی،

شعور اجتماعی یعنی عبور از «من»، و رسیدن به منافع جمعی!

شعور اجتماعی یعنی انسان «رشد یافته»، در دانشگاه انسانیت!

شعور اجتماعی یعنی تفکر برای تغییر جهانی که در آن زندگی می کنیم!

شعور اجتماعی از خودخواهی آدمی عبور می کند و به دیگرخواهی و منافع اجتماعی می رسد!

شعور اجتماعی در آخربه حق طلبی و در نهایت به عدالت اجتماعی خواهد رسید!

شعور اجتماعی اندیشه و کردار ماست، سوار بر آگاهی و هنر در خدمت انسانیت!

شعور اجتماعی جمع آوری امکانات، سرقت از ذخایر مردم، و به رخ کشیدن خود برای مردمان نیست!

شعور اجتماعی همان شرافت کامل و تمرین انسانیت است!

آرین سندیکالیست

زنان کارگر از نظر کارفرمایان

هدف تهاجم کارفرمایان و دولت علیه زنان این نیست که آنان را از نیروی کار حذف کنند، بلکه می خواهند آنان را مجبور سازند دستمزد کمتر و سطح زندگی پایین تری را پذیرا شوند. سرمایه داران سعی دارند کارگران را، خواه مرد یا زن، متقاعد سازند که زنان در هر صورت کارگران "واقعی" نیستند؛ بلکه آنان صرفاً "کمک خرجی" و "درآمد دوم" و از این قبیل دریافت می کنند. چنانچه یک زن از کار اخراج شود، کارفرمایان ادعا می کنند چنین امری نباید در محاسبات بیکاری منظور شود، آن گونه که بیکاری مردان، به عنوان تأمین کننده ی اصلی معاش، محسوب می شود.

هدف حمله، زن به عنوان یک جنسیت است- چه آنان که امروز شاغل اند و چه آنان که نیستند. در زمانی که فشارهای اقتصادی و اجتماعی بر زحمتکشان و خانواده های آنان در حال انباشته شدن است، سرمایه داران همچنین ماشین طبقاتی خود را هندل می زنند تا جایگاه زنان به عنوان شهروندان درجه دوم را توجیه کنند.

اولین رید

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران معتقد است: با شروع موضوع تعیین حداقل دستمزدها برای سال آینده و به منظور آنکه حقوق کارگران پایمال نشود، کارفرمایان موظفند گزارش عملکرد و صورتهای مالی شرکتها و کارگاههایشان را برای اطلاع عموم و بویژه برای اطلاع کارگران کارخانه هایشان و کارگاههایشان انتشار دهند. آگاهی از نحوه عمل و فعالیتهای اقتصادی کارگاهها حق مسلم کارگران است. بویژه آنکه در شرایط کنونی، کارفرمایان بهمنظور لاپوشانی ضعفها و سوءمدیریتها، ریختوپاشها و اختلاسها، انگشت اتهام را به سوی کارگران و دستمزد آنان نشانه رفته اند و می روند. آوار کردن هزینه ضعفها، سوءمدیریتها و سوءاستفاده ها بر دوش کارگران و خانواده های آنان نه تنها ضد اخلاقی، بلکه اقدامی جنایتکارانه است.

شاعیرانه نوشتم

کسی ناراحت نشود

بلکه جواب بگیرم

اما همه ناراحت شدن

یکی ناراحت شد

چون برایش

هزینه داشت

دیگری ناراحت شد

چون خودش هم

درد مرا داشت

این خواسته های بر

حق من نمیدانم چرا

همه را ناراحت میکند!

دیگر نمی دانم خسته هایم

را چگونه مطرح کنم

ارباب ناراحت نشه بلکه

حقوق چند ماهه مرا پرداخت کند حسین امیدی (اورمان)

واگویه های وارتان (۵)

آیا میشود راز سرپوشیده گذاشت؟....

و بی خیال از همه تحقیرها گذشت؟!...

نان و اندیشه را چه میشود کرد؟!....

نه شکم طاقت گرسنگی دارد.....

و نه ذهن میتواند از اندیشیدن باز داشته شود.....

سر راست بگویم....

تا تو را خوب توجیه کرده باشم.....

من به مناسبات غلط اقتصادی ات اعتراض دارم.....

چرا که از سود بردن از جسم و جان من.....

سیراب نمی شوی....

و شراب ناب جادویی خویش را...

با خون رنگین من....

سر میکشی...



قسمتی از شعری تاثیرگذار از دختر سیزده ساله‌ی اهل مالاوی، یکی از فقیرترین کشورها که در آن تبعیض جنسیتی وجود دارد.

وقتی بخواهم ازدواج می‌کنم

هیچ کس در دنیا نمی‌تواند

مرا به ازدواج وادار کند

حتی اگر مرا کتک بزنی،

حتی اگر دنبالم کنی

وقتی ازدواج می‌کنم که بخواهم

اما نه پیش از آنکه خوب تحصیل کنم

و نه پیش از آنکه خوب بزرگ شوم

وقتی ازدواج می‌کنم، که بخواهم.

معرفی زنان موفق



وقتی حسین دهلوی در سال ۱۳۷۹ ارکستر مضرابی را تأسیس کرد، شاید کسی فکر نمی‌کرد که هدایت این ارکستر به عهده‌ی یک رهبر زن گذاشته شود؛ نزهت امیری، دیگر زن ایرانی رهبر ارکستر است. البته او ترجیح می‌دهد که به‌دور از هرگونه هیاهو و حواشی خبری، به فعالیت‌های موسیقی بپردازد.

ارکستر مضرابی با همکاری ۶۶ نوازنده‌ی سازهای مضرابی تشکیل شده بود. این ارکستر در سال ۱۳۸۴ به رهبری «نزهت امیری» روی صحنه رفت و البته واکنش‌های متفاوتی را در پی داشت. مثلاً فرید عمران (آهنگساز) آن زمان در گفت‌وگویی اظهار کرد: وجود یک زن روی صحنه‌ی تالار وحدت، خودش برای من یک اتفاق مثبت است. خانم امیری، انسان پویایی

است و من از این بابت خوشحالم. این بزرگترین امتیاز این برنامه بود و نوآوری بسیار عالی، حداقل برای ما یک جرعه‌ای بود که بدانیم اتفاقات مهمی در حال رخ دادن است. همین حالا اگر به کلاس آهنگسازی من نگاه کنید، نیمی از جمعیت آن را دخترها تشکیل داده‌اند و این، جای امیدواری دارد. نزهت امیری شاگرد ارشد زنده‌یاد پرویز منصوری بود و پس از درگذشت او، تلاش‌های زیادی برای تأسیس بنیاد پرویز منصوری کرد؛ اما از آنجا که کسی از او حمایت نکرد، این طرح عملی نشد. او در واقع قصد داشت، ارکستری را راه بیندازد تا آثار پرویز منصوری را اجرا کند.

او همان زمان در گفت‌وگویی با ایسنا، در این‌باره توضیح داد: راه‌اندازی یک ارکستر، فعالیت عمیقی است و به یک بنیاد نیاز دارد. هنگامی که حمایتی نباشد، نمی‌توان کارها را پیش برد.

نزهت امیری از بهمن‌ماه ۱۳۹۴، با هدف اجرای آثار ارکسترال آهنگسازان ایرانی، به آماده‌سازی رپرتوار پرداخت و در آذرماه "۱۳۹۵ ارکستر سرزمین مادری" را تشکیل داد. این ارکستر در ۷ اسفند ۱۳۹۵ در تالار رودکی آثاری از حسین دهلوی، احمد پژمان، مهران روحانی و لوریس چکنواریان را اجرا کرد.

بانو "نزهت امیری" از تابستان سال ۱۳۹۶ رهبری "ارکستر ملی نغمه‌ی باران" به سرپرستی "علی امیرقاسمی" را به عهده گرفته است و به زودی آثاری از آهنگسازان شهیر ایران را به روی صحنه خواهد برد. او در زمینه‌ی موسیقی کودک نیز فعالیت گسترده‌ای کرده است و این روزها به تدریس موسیقی در آموزشگاه "نی لبک" می‌پردازد.



پاکسازی رودخانه مرداب در شهر آستارا. گروهی از مردم هر جمعه رودخانه شهر را از زباله ها پاک می کنند و این حرکت جمعی تا نوروز ۹۷ ادامه دارد.



ما خواهان تساوی حقوق انسان ها و شرایط شرکت در مسابقه زندگی هستیم.

مبانی اقتصاد سیاسی (۱۱)

با توسعه بیشتر نیروهای مولد، انسان تولید فرآورده های اضافه بر مصرف شخصی را آغاز کرد، در چنین شرایطی استفاده از کار تعداد بیشتری کارگر امکان پذیر گردید. این مردان (کارگر) از طریق جنگ تامین می شدند. اسرای جنگی به بردگی کشیده شدند .

✓ نخست بردگی آباء و اجدادی بود و فرزندان بردگان نیز برده به حساب می آمدند، اما بعداً برده داری شالوده نظام اجتماعی نوینی شد . کار بردگان، عدم تساوی را تشدید کرد . خانواده هایی که از بردگان بهره کشی می کردند به سرعت صاحب مال و مکنت شدند .

✓ همراه با رشد عدم تساوی در اموال، توانگران نه فقط زندانیان، بلکه هر کسی از هم قبیله ای های خود را نیز که فقیر و درمانده یا مقروض شده بود، به بردگی می کشیدند و به دنبال آن، نخستین تقسیم طبقاتی جامعه، یعنی تقسیم جامعه به برده داران و بردگان صورت گرفت . این (تقسیم جامعه به برده داران و بردگان) آغاز استثمار انسان به وسیله انسان بود .

✓ از این زمان (تقسیم جامعه به برده داران و بردگان) به بعد، در تمامی تاریخ بشر مبارزه طبقاتی به نوعی جریان داشته است .

□♦✓ رشد عدم تساوی بین مردم، موجب تاسیس دولت، یعنی سازمانی شد که استثمار کنندگان از آن برای تحمیل فشار خود به طبقه تحت استثمار و فرو نشاندن طغیان های آن استفاده می کردند .

از دل ویرانه های شیوه تولید اشتراکی اولیه، برده داری سر بر آورد.

پیدایش و تکامل حیات (۷)

قبل از بررسی حیات؛ لازم است بیان کنیم که پذیرش تکامل تدریجی موجودات زنده از هم‌دیگر برای ما بسیار سخت است .

✓ ما طبق عادت محدوده معینی از زمان یعنی طول دوران زندگی خود را در نظر می‌گیریم. در حالی که زمان لازم برای تکامل یکم؛ تدریجی و دوم این‌که بسیار طولانی - (از ابتدای تشکیل موجودات تک‌سلولی تاکنون بیش از سه میلیارد سال به طول انجامیده است). است. و دیگر این‌که ما عادت کرده‌ایم که محیط اطراف خود را بدون در نظر گرفتن تغییر، تجزیه و ترکیب؛ تحلیل کنیم، یعنی به ثبات و سکون بیش‌تر تمایل داریم تا تغییرات مکانیکی، شیمیایی و دیالکتیکی. با این عادت‌ها بزرگ شده‌ایم و آن‌ها را از همان دوران بچگی به وسیله‌ی شرایط محیطی‌یی که در آن رشد کرده‌ایم، در مغزمان جا داده‌اند .

✓ اکنون جدایی از افکار غیر علمی دوران کودکی برایمان سخت است و این گونه واکنش نشان می‌دهیم: مگر می‌شود؟ غیر ممکن است! انسان همین بوده که هست! هیچ چیزی تغییر نمی‌کند !

واقعیت آن است که ثبات وجود ندارد و همه چیز در حرکت و تغییر است .

✓ در این مدت عمر کوتاه خودمان، حرکت و تغییر ماده (طبیعت) به صورت گسترده‌ای در مقابل چشمانمان در حال انجام است . عادت کرده‌ایم که بگوییم هیچ چیزی تغییر نکرده است. در حالی که توجه به فرسودگی و تغییرات فیزیکی و شیمیایی مواد اطراف خود را نداریم که يك تغییر بزرگ و تدریجی در حال انجام است .

✓ برای این‌که مفهوم تکامل تدریجی موجودات زنده را دریابیم باید همیشه ۱- زمان طولانی، ۲- تغییر تدریجی و گاهی جهشی (تغییرات کمی به کیفی) را

مدنظر داشته باشیم. موجودات جاندار طبیعی امروز نتیجه‌ی سلسله تکاملی طولانی از ساده به مرکب می‌باشند".

✓مرز موجودات زنده با غیرزنده کدام است؟

✓در دیدار از نزدیک‌ترین اجرام آسمانی گیتی، انتظار روبروشدن با چه مظاهری از حیات را داریم؟ این پرسش را نمی‌توان فقط از راه مقایسه شرایط فیزیکی و شیمیایی سطح سیاره‌ها و قمرهای آن‌ها با شرایط حیات در روی کره زمین پاسخ داد. موجودات زنده خود را با شرایط خارجی که تحت آن شرایط به وجود می‌آیند و تکامل می‌یابند سازش می‌دهند. ضمناً، آن‌ها می‌توانند این شرایط را در حوزهی مکانی بسیار محدودی تغییر دهند. ناظری که این صحنه را می‌نگرد ممکن است به این نکته توجه نکند و نتیجه بگیرد که تحت این شرایط حیاتی وجود ندارد.

✓هر جسم آسمانی، به ویژه هر سیاره‌ای، مادامی که وجود دارد تکامل می‌یابد. شرایطی که ما امروز بر روی آن می‌یابیم ابداً جاودانی نیستند.

✓در مرحله‌ی معینی از این تکامل، موقعیت برای پیدایش حیات مساعد بوده است، حیات پدیدار شد، تکامل یافت و خود را پیوسته با محیط متغیر سازگار کرد.

✓اکنون این امکان هست که حیات در شرایطی، نامناسب برای موجودات کره‌خاکی، در سایر نقاط گیتی وجود داشته باشد.

✓پرسش ما فقط این نیست که آیا در یک جسم آسمانی معین در حال حاضر موجودات زنده‌ای مسکن گزیده‌اند یا نه، بلکه آیا حیات در جریان تکامل خود بر روی این جسم آسمانی پدیدار شده و تکامل یافته است؟



غواص شرکت نفت که بعد از تعمیر خط لوله، با گازونیل و بنزین خودش را می‌شوید تا نفت خام را از تنش پاک کند. او ثروت می‌آفریند ولی کمترین بهره مال اوست. چرا؟؟؟



زحمتکشی از مریوان. حق او از این همه ثروت تولید شده ، فقط باری است
که بر دوش می کشد؟ سهم ثروت او کجاست؟